

هشدار امام!

((... دعوای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۱۵

شماره مسلسل ۱۴۱۴

نیمه اول آبان ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان

رونمایی «تفسیر بلاغ»

اثر ارزشمند آیت الله

سید ابوالفضل

میر محمدی

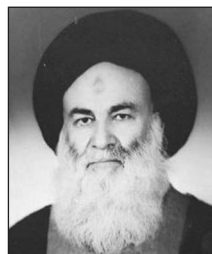


صفحه ۱۱

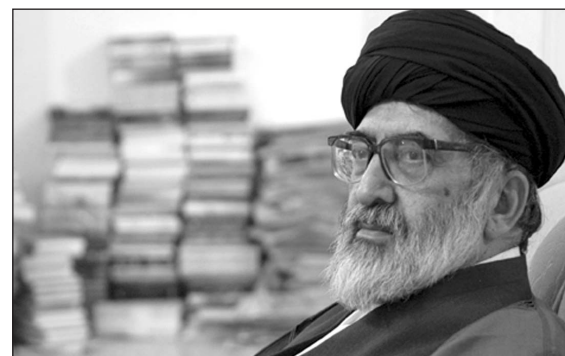
انتشار ۵ جلد از

دست نوشته های

علامه طهرانی



صفحه ۱۲



آخرین وضعیت اخوان المسلمین مصر در گفت و گو
با استاد سید هادی خسروشاهی:

انشعابی در کار نیست

صفحه ۶

به همت کتابخانه مجلس شورای
اسلامی انجام می شود:

رونمایی از «عطار د

دانش» در بزرگداشت

آیت الله عطاردی



صفحه ۱۲

رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا:

علمای مذهب تشیع

حافظان و مروجان

فلسفه اشراق

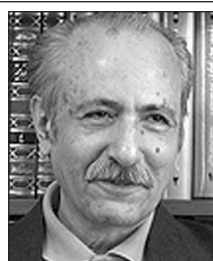


صفحه ۱۱

در گفت و گو با استاد بهاء الدین
خرمشاهی مطرح شد:

زمینه و زمانه دایرة

المعارف تشیع



صفحه ۹

دبیر کل مجمع جهانی تقریب
مذاهب اسلامی:

جوانان تقریبی منتشر

کننده فرهنگ تقریب در

جوامع اسلامی هستند



صفحه ۳

رمز گشایی پیروزی

اسلام گرایان در

انتخابات تونس



صفحه ۵

پس از ۲۴ سال تلاش و مجاهدت:

آیت الله عمید زنجانی، استاد حوزه و دانشگاه در گذشت

آیت الله عمید زنجانی گفت: این استاد فقیه در فقه سیاسی مسلط بود و بیشترین تألیفاتش در دفاع از انقلاب اسلامی است. حبیبی با اشاره به سابقه ۲۸ ساله آشنایی خود با مرحوم آیت الله زنجانی گفت: این استاد فقید - چه در بیان کلمات و چه در ادای نظرات - بسیار اخلاق گرا و مؤدب بود و هرگز ندیدم با طبقات فرومایه برخورد تحقیرآمیز یا همراه با تبعیض داشته باشد.



آیت الله عمید زنجانی، استاد حوزه و دانشگاه در سن ۷۴ سالگی پس از عمری تلاش و مجاهدت دعوت حق را لبیک گفته و درگذشت. آیت الله عمید زنجانی سه سال گذشته نیز به دلیل عارضه قلبی در یکی از بیمارستان های شهر تهران تحت عمل جراحی قرار گرفته بود. بنابراین گزارش، این استاد

بزرگوار متولد ۱۳۱۶ در شهرستان زنجان بود، تحصیلات حوزوی را تا رسیدن به درجه اجتهاد طی کرده و از صاحب نظران علوم اسلامی و حوزوی به شمار می آمد. همچنین، او ریاست دانشگاه تهران، عضویت در مجلس شورای اسلامی در دو دوره قانونگذاری، عضویت هیأت امنای دانشگاه های امام خمینی (ره) و علوم پزشکی زنجان و دانشگاه تهران را در کارنامه علمی خود به ثبت رسانده است. مرحوم آیت الله عمید زنجانی با سابقه ۵۰ سال تدریس و تألیف بیش از ۴۰ جلد کتاب، ۷۰ مقاله علمی، و تدریس دروس مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در عرصه های مرتبط با حقوق اسلامی مانند فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلام، فقه تطبیقی و حقوق اساسی (کلیات و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و حقوق اساسی تطبیقی) و مبانی حقوق عمومی در اسلام را نیز انجام داده است.

در همین رابطه آقای نجفقلی حبیبی عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران با اشاره به آشنایی ۲۸ ساله خود با مرحوم

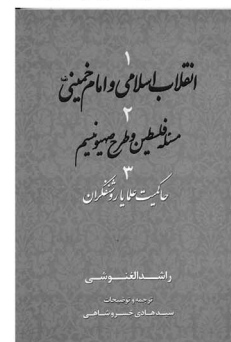
عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران افزود: آیت الله زنجانی یک تفکد بسیار ویژه در اظهار نظرها در باب اشخاص به خرج می داد و همواره با احتیاط و نجابت درباره افراد اظهار نظر می کرد تا مبادا درباره کسی بدگمانی کرده باشد. این استاد دانشگاه، «سعه صدر» و «بلند نظری» آیت الله عمید زنجانی را یکی دیگر از ویژگی های بارز وی دانست و تصریح کرد: مرحوم آیت الله زنجانی با یک حالت بزرگواری خاص همواره در حل مشکلات همگان اهتمام داشت. حبیبی با تأکید بر اینکه آیت الله عمید زنجانی از تعصبات عقیدتی دور بوده است، اظهار داشت: این استاد حوزه و دانشگاه در عین حال که بسیار پایبند و معتقد بود اما هرگز به صورت متعصبانه رفتار نمی کرد و همواره تحمل شنیدن حرف های مخالف را داشت. وی در پایان تأکید کرد: مرحوم آیت الله زنجانی اهل تحقیق و در عین حال اهل قلم بود و همواره اندیشه اسلامی را در فقه سیاسی پیگیری و نگارش می کرد و به نحوی قانون اساسی را در تألیفات فقهی سیاسی خود شرح داده است.

تازه های انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

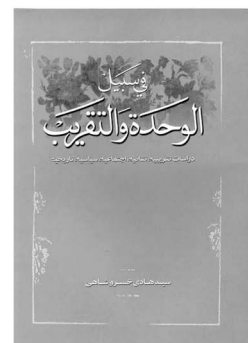
به کوشش و تألیف استاد سید هادی خسروشاهی



اهل بیت در مصر



انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)
مسئله فلسطین و طرح صهیونیسم



فی سبیل الوحدة والتقریب

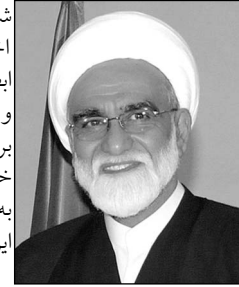


حرکت اسلامی سودان

مرکز پخش: قم / ابتدای خیابان صفائیه / کلبه شروق / تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۶۴۲۴
جهت خرید اینترنتی می توانید به سایت www.shorooq.ketabeparsi.com مراجعه فرمائید.

نقش وحدت اسلامی در بیداری اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین معزی - نماینده مقام معظم رهبری و رییس مرکز اسلامی انگلیس



مقدمه:

بیداری اسلامی پدیده امروزی نیست، بلکه موضوعی است مربوط به دهه های اخیر؛ البته تحولات جهان عرب در این روزها جهان را شگفت زده نموده است. خاورمیانه و شمال آفریقا در ماههای اخیر شاهد تحولاتی بوده که نتیجه آن دگرگونی در ساختار سیاسی و اجتماعی برخی از

کشورهای اسلامی گردیده است. قیامهایی که حرقه آن در تونس در اوایل فوریه ۲۰۱۱ زده شد و با فرارین علی دیکتاتور حاکم بر این کشور ابعاد گسترده تری به خود گرفت. سقوط حسنی مبارک رئیس جمهور مصر پس از سه دهه حاکمیت نقطه عطفی در این تحولات بود که دامنه قیامهای مردمی را به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا گسترش داد. هر چند که برخی از این قیامها همچنان به نتیجه نرسیده و غرب و نظام سلطه نیز با تحرکات گسترده به دنبال مصادره قیامها و حتی تزریق آن به برخی کشورهای هدف برای نابود سازی دولتهای مورد نظر می باشد، اما مجموع تحولات نشانگر حرکت عظیم مردمی است که پس از انقلاب اسلامی ایران در منطقه مشابهی نداشته است.

نوع تحولات منطقه موجب شده تا نگاههای متفاوتی نسبت به آنها صورت گیرد و بگونه ای که برخی از واژه خیزش مردمی، بیداری مردمی و برخی از بیداری و خیزش اسلامی برای نام گذاری قیامها استفاده می کنند.

نکته بسیار مهم در این حوزه تاکید بسیاری از اندیشمندان، تحلیلگران سیاسی و اجتماعی مبنی بر نقش و الگو پذیری ملت‌های منطقه از انقلاب اسلامی ایران است. الگویی که حتی محافل رسانه‌ای و سیاسی غرب نیز نتوانسته بر آن سرپوش گذارند.

بیداری اسلامی

بیداری اسلامی پدیده‌ی اجتماعی است که به معنای رهایی از استبداد، استعمار و تلاش در راه دستیابی به کرامت انسانی، استقلال سیاسی، اقتصادی، فکری و ایفای نقش اسلامی خود به عنوان بهترین امت برای مردم آنگونه که قرآن به مسلمانان آموخته است و سرانجام هویت اسلامی را در تمامی عرصه های زندگی پدیدار ساختن.

ریشه ها و عوامل بیداری اسلامی

۱- ورود نسل جدید با ویژگی های انقلابی به عرصه منازعات که فهم ریشه‌ای و واقعی تری از علل عقب افتادگی های علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع خود بویژه در حوزه فکر و فرهنگی دارند.

۲- توجه به وحدت دینی و بن مایه های انسجام ایدئولوژیک و درک درست از راهبردهای قدرتهای خصم و استکبار برای ایجاد گسست در جهان اسلام.

۳- حوادث بیدار کننده منطقه‌ای و جهانی از جمله بحران فلسطین، ۱۱ سپتامبر، اشغال عراق و افغانستان و راهبرد نبرد ایدئولوژیک غرب به محوریت آمریکا که با هدف تسلط بر جهان اسلام انجام می شود، آثار چشم گیری بر بیداری اسلامی دارد.

۴- رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی و تکامل شیوه های تبلیغ اسلام.

۵- انقلاب اسلامی ایران به عنوان عامل عمده بیداری اسلامی مطرح است و نقش ویژه ای در حرکت بیداری ملل مسلمان ایفا کرده است.

پدیده انقلاب اسلامی، پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد. انرژی آزاد شده از آن به عنوان موتور محرکه همه تحرکات و خیزش جریانهای و جنبش های اسلامی از یکسو مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی های خود آگاه کرد و از سوی دیگر طلسم

شکست ناپذیر بودن غول استبداد و اختاپوس استعمار و امپریالیسم را ابطال کرد و این مسئله خود جسارت و اعتماد به نفس را به ملت‌های مسلمان برگرداند و اینکه انقلاب اسلامی که خود از دل مذهب بیرون آمده است، به احیاء دین و تجدید حیات اسلامی در ایران و جهان مدد رسانده است.

انقلاب اسلامی در تولد، تجدید حیات، تداوم جریانهای و جریان سیاسی اسلامی معاصر در سه دهه اخیر نقش کلیدی داشت و این حقیقت مورد اتفاق نظر تمام محافل سیاسی جهان اعم از دست‌اندرکاران ایران، رقیبان و کشورهای خصم است.

وحدت اسلامی

نیاز به وحدت در میان کشورهای مسلمان، امروزه بیش از هر زمانی احساس می شود. در حالی که جای جای جهان اسلام به صور مختلف (همچون اشغال مستقیم در فلسطین، دخالت نظامی در لیبی و بحرین و دخالت های سیاسی در سوریه و مصر) مورد تجاوز قرار گرفته است، احیای گفتمان امت واحده اسلامی می تواند راهگشا باشد. وحدت اسلامی میتواند نشان دهنده ی قدرت و شوکت اسلام، توانایی مسلمین، عامل غلبه بر ابرقدرتها و ظالمین و موجب مطرح شدن دیدگاه های اسلامی گردد.

بر اساس دیدگاه قرآن کریم انسانها در اصل خلقت، وحدت دارند، چرا که خداوند آنها را از نفس واحد آفریده است. این وحدت در خلقت پایه ای برای شکل گیری امت واحده می باشد. از سوی دیگر بر اساس آیات قرآنی امت واحده انسانی به دلایلی همچون ظلم، حسد، نزاع و درگیری در طلب دنیا، عدم موفقیت در آزمایش الهی، فرقه گرایی، تفرقه افکنی های دشمنان، وسوسه و القانات شیطانی فروپاشیده و قرآن برای تحقق دوباره ی آن، راهبردهایی همچون اخوت، مودت، رحمت و رأفت، فضل و صلح در پرتو آیین مقدس اسلام را پیشنهاد می کند. در اسلام مسلمانان با هم برادرند، بنابراین امت اسلامی جامعه ای متشکل از افرادی است که از رابطه ی اخوت اسلامی برخوردارند و همگی معتقد به آیین اسلام هستند.

در فرهنگهای مختلف برای بیان مفهوم جامعه یا اجتماع از واژه های گوناگونی همچون ملت، مردم، گروه، ایل، طایفه، قبیله، عشیره، ناس، قوم، شعب، طبقه، نژاد، توده و جامعه استفاده شده است. اما اسلام به جای همه این اصطلاحات واژه ی امت را برای جامعه ی انسانی مورد نظر خود برگزیده و از این نام گذاری منظور خاصی را دنبال می کند. امت در تعبیر و اصطلاح قرآنی، گروهی همسان در دین، آیین، زمان و مکان و دیگر مشترکات انسانی می باشد. این اصطلاح هر چند با واژه امروزی جامعه مشابهت هایی دارد ولی تفاوت های عمده ای دارد که نمی توان آن را نادیده گرفت. جامعه در اصطلاح جامعه شناسی، گروه سازمان یافته ای از اشخاص و افراد انسانی هستند که با هم در سرزمین مشترک زندگی می کنند و با همکاری در گروه ها نیازهای اجتماعی ابتدایی و اصلی خود را تامین می نمایند و با مشارکت در فرهنگی مشترک و یکسان به عنوان یک واحد اجتماعی از دیگر جوامع متمایز می شوند. اما امت گروه خاصی از پیروان یک دین هستند که به سبب همسانی در نوع خاصی از عملکرد و یا رویکرد فکری تشکیل یافته اند. بر اساس این تعریف، امت می تواند مبنای نظم اجتماعی که گستره وسیعی به اندازه تمام بشریت دارد، قرار گیرد. بر اساس تعاریف قرآنی می توان نتیجه گرفت که مراد از امت اسلامی، گروه وسیعی از مردم است که تحت رهبری و هدایت مشترک بوده و به سوی هدفی واحد در حرکت می

باشند. این جامعه ی آرمانی اسلام، دارای ویژگی های خاصی است که آن را از سایر جوامع متمایز می سازد. در شکلگیری امت اسلامی قطعاً ویژگی ها و خصوصیات دینی از اصالت برخوردارند. به عبارت دیگر تحقق رسالات و وظایف اسلامی صرفاً در چارچوب مجموعه ای به نام امت امکان پذیر است. امت اسلامی در واقع در چارچوب مرز جغرافیایی خاصی قرار نمی گیرد، بلکه بر یک مجموعه بین المللی اطلاق می شود که از یک پیام و دستور الهی اطاعت می کنند و رسالت یک پیامبر را می پذیرند. در این جامعه تمایزات نژادی و قومی انسان ها اصالت ندارد، بلکه ملاک برتری افراد تقوا و پرهیزکاری است. در اندیشه سیاسی اسلام نیز به جای اصطلاح ملت از امت استفاده می شود. در این چارچوب به جامعه ی مسلمانان که تحت حکومت اسلامی زندگی می کنند، امت گفته می شود، به طوری که تنها عامل عضویت و تابعیت در آن اسلام است و شرایط شکل دهنده ی ملت و ملی گرایی در امت اسلامی نقشی ندارد. از نظر اسلام محور اساسی زندگی انسان فکر و عقیده است. این اصل به همراه اصل وحدت، زندگی اجتماعی، همکاری و تعاون انسانها با یکدیگر را در جامعه اسلامی سامان می دهد. این در حالی است که در فرهنگ و اندیشه غربی مفهومی است که در برگیرنده ی اجزای ملت است و شامل عناصری همچون نژاد، وحدت زبان، تاریخ، مرز جغرافیایی و خون می شود.

نظریه امت واحده:

قرآن کریم تشکیل امت واحد را یک برنامه وسیع و جهانی برای تحقق حکومت جهانی واحد می داند. برای تحقق این آرمان در ادیان مختلف به ظهور مصلح آخرالزمان نوید داده است که وی این امت جهانی را بنیان می نهد. تحقق چنین جامعه ای منوط به وحدت است و وحدت نتیجه ایمان و عقیده خواهد بود. اهمیت وحدت در جامعه اسلامی از آن روست که اسلام امت جهانی خود را بر مبنای وحدت انسان ها بنا میکند، وحدتی که از طریق انسان دوستی و احترام به حقوق انسانها و برادری و برابری میان آنها حاصل میشود و به وسیله ی آن مصالح مسلمین و بلکه بندگان خدا تامین می گردد.

وحدت اسلامی در دوران معاصر با توجه به شرایط حاکم بر جهان و دنیای اسلام، به گونه ای یک ضرورت اجتناب ناپذیر درآمده و با سرنوشت مسلمانان در عرصه اجتماعی - سیاسی گره خورده است. وحدت یعنی رسیدن به نوعی یگانگی و همگونی منافع و اهداف. منافع و اهداف دو واژه ی کلیدی و خمیر مایه انسجام و یگانگی هر مجموعه ی است. پس وحدتی که در آن ارکان اسلامی وجود داشته باشد یعنی منافع و اهداف اسلامی در آن مورد نظر باشد وحدت اسلامی خوانده می شود. وحدت اسلامی یعنی ایجاد نوعی یگانگی و همگونی بین منافع و اهداف؛ کسانی که دارای خدای واحد، پیامبری بنام محمد (ص) و کتابی واحد بنام قرآن کریم هستند و هدف آنها سعادت بشری و رسیدن به قرب الهی است می توانند دارای اهداف و منافع مشترک باشند و تمام تلاش های شان معطوف به رسیدن به آن هدف باشند. بدین لحاظ پیامبر گرامی اسلام مسلمین را "ید واحده" در مقابل دیگران دانسته است. مراد از وحدت امت اسلامی این است که مسلمانان در حکم فرد واحد است؛ ذمه المسلمین واحده یسعی بها اداناهم، و هم ید علی من سواهم" مسلمین در مقابل بیگانگان ید واحدند.

بنابراین توحید، رسالت و کتاب آسمانی (قرآن مجید) محور و ارکان و مبانی وحدت امت اسلامی محسوب می شود که بدون این سه رکن، وحدت امت اسلامی شکل نخواهد گرفت. مراد از وحدت و اخوت اسلامی که در منابع و

متون دینی بیان شده آن وحدتی است که بشریت را به سوی خدای واحد و هدف واحد سوق دهد.

وحدت امت اسلامی تنها از طریق اجتماع به زیر پرچم توحید اسلامی و پیروی از قرآن و عترت و سنت امکان پذیر خواهد بود و این وجهی از وجوه تفکر اسلامی است؛ که نه به دلیل فشارهای محیطی همچون اجبار حکام، منافع سرزمینی و اقتصادی و غیره، بلکه به دلیل زیر بنای ایدئولوژیکی آن تحقق پذیر است.

در اسلام، وحدت، تنها از آن رو که وحدت است، مطلوب و پسندیده نیست؛ بلکه وحدتی از نظر اسلام درخور تجلیل است که گرد محور حق و اصول عالی انسانی و بر پایه نوامیس هستی باشد.

معنای وحدت اسلامی این است که مسلمانان از هر گروه و مذهبی بر اساس آیین اسلام گرد هم آیند، و برای تحقق این معنا لازم نیست که آن ها دست از مذهب خود برداشته، یک مذهب را برگزینند. زیرا این کار نه لازم است و نه قابل اجرا. مسلمانان می توانند با تکیه بر عناصر مشترک دینی، اتحاد اسلامی را تشکیل دهند. راه رسیدن به این هدف این است که آنان دست کم در امور مربوط به امت اسلامی وسعت نظر داشته، فراتر از مرزهای مذهبی، ملی، زبانی و ... بیندیشند و در عمل هم مصالح کلی اسلام و مسلمین را بر مصالح جزئی مقدم بدانند.

اهمیت وحدت و پرهیز از اختلاف:

قرآن کریم به مسأله وحدت اسلامی اهتمام خاصی می ورزد. از یک سو پیامدهای مثبت اتحاد را بازگو می کند و از سوی دیگر نسبت به پیامدهای شوم اختلاف هشدار می دهد.

ایه و اعصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا (آل عمران/۱۰۳) همه مسلمانان را دعوت به اتحاد و دوری از اختلاف می کند و در زمره ی آیاتی قرار دارد که در صدر آن، مومنان را به رعایت تقوای الهی فرامی خواند. از این جامی توان این نکته را برداشت نمود که ایجاد و حفظ وحدت در جامعه اسلامی از مظاهر تقوای اجتماعی - سیاسی است، چنان که ایجاد تنش و درگیری بر خلاف تقوای الهی می باشد.

در ادامه همین آیه در دو مورد از اتحاد و هماهنگی به عنوان نعمت الهی یاد کرده است. طبیعی است که در مقابل، اختلاف و درگیری نعمت و عذاب الهی می باشد. قرآن کریم در آیه ای دیگر که انواع عذاب زمینی و آسمانی را بازگو می کند می فرماید: او یلیسکم شیعاً و یذیق بعضکم باس بعض (انعام/۶۵) یا شما را به صورت گروه های مختلف به هم درآمیزد و بعضی طعم کبیر بعضی دیگر را بچشانند.

اختلاف از بدترین انواع عذاب برای جامعه انسانی است که پیامدهای شوم درونی و بیرونی را در پی دارد. پیامد درونی اش این است که هر لحظه احتمال دارد آتش جنگ و درگیری در چنین جامعه ای شعله ور شود و همه هستی آن را به آتش کشد؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها (آل عمران/۱۰۳) شما در اثر اختلاف بر لبه گودالی از آتش بودید پس خدا شما را از آن نجات بخشید.

پیامد بیرونی اختلاف این است که جامعه در اثر آن قدرتش را از دست می دهد و در برابر دیگران ضعیف و سرخورده می شود، و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم (انفال/۴۶) با هم منازعه و درگیری نکنید آن گاه سست می شوید و قدرت تان از دست می رود. تعبیر به تذهب ریحکم اشاره لطیفی است به این که با نزاع و کشمکش هم قدرت جامعه از بین می رود و هم حیثیت و آبرویش.

راهکارهای وحدت اسلامی

قرآن کریم برای تحقق و حفظ وحدت اسلامی، راهکارهای زیادی ارائه می کند که مهم ترین آن ها عبارتند از:

برگزاری نشست احکام زیارت قبور در مذاهب اسلامی

اسلام (ص) سابقه تاریخی داشته است و کسی که با این سنت مخالفت کرد، سلیمان بن عبدالوهاب النجدی بود که بنای انکار آن را گذاشت و فتوا به حرمت زیارت حضرت رسول(ص) و تبرک به قبر ایشان را داد؛ اما علمای عصر او با وی مخالفت کرده و حتی علمای مذاهب اربعه اهل سنت نیز وی را تکفیر کردند و حکم به زندانی شدن وی در مصر دادند.

وی در خصوص زیارت قبور سایر مؤمنان، بر اساس روایات خاطرنشان کرد: در روایات آمده است که: «آلای فروروا القبور فانها تزهّد بالدنیا و تذکر بالأخره»؛ یعنی: قبور را زیارت کنید که موجب زهد در دنیا و یادآوری آخرت می‌شود. همچنین حضرت زهرا (س) نیز قبر عمویان حضرت حمزه را هر جمعه زیارت می‌کردند. فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز بر استحباب زیارت قبور مؤمنان اجماع دارند.

جعفری در خصوص زیارت حضرت رسول(ص) نیز خاطرنشان کرد: در میان احادیثی که در صحاح آمده و بر اساس اجماع ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت، بر استحباب زیارت قبر حضرت رسول (ص) تأکید شده است. از جمله روایتی از عبدالله بن عمر که از رسول خدا(ص) نقل کرده است: «من زار قبری و جبت له شفاعة».

می‌شود و ما با زیارت قبر او، وی را تقدیس می‌کنیم، پاسخ داد: ما می‌گوییم میت پس از دفن در حالت برزخی باقی می‌ماند و ما با روح او سخن می‌گوییم نه جسم آن.

عضو شورای مرکزی حزب الله در خصوص اشکال سوم که مربوط به نهبی از زیارت مقام‌ها و توسل به صاحب آنها است، نیز پاسخ داد: ما هیچ کس جز کسانی را که خداوند عز و جل بزرگ داشته است، بزرگ نمی‌داریم. خداوند در قرآن کریم از ما خواسته است که به سوی رسول او بریم و استغفار کنیم. (ولو أنهم اذ ظلموا أنفسهم جاؤک فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول).

وی همچنین تجاوز به اعتقادات و سبب‌های اسلامی را به شدت رد و تأکید کرد: همه مصیبت‌های ما از افرادی است که خون مسلمانان را نادیده می‌گیرند با وجود اینکه می‌دانند بسیاری از قربانیان این جنایت‌ها شیعیان نیستند بلکه از اهل سنت می‌باشند.

در ادامه مراسم، حجت الاسلام مصطفی جعفری به نمایندگی از جامعه المصطفی العالمیه در خصوص مبنای فقهی زیارت اهل قبور نزد علمای مذاهب اسلامی گفت: زیارت اهل قبور در سیره مسلمانان از دوران صحابه رسول گرامی

نشست احکام زیارت قبور در مذاهب اسلامی در چارچوب مجموعه نشست‌های فقه تطبیقی، از سوی مرکز اسلامی امام صادق (ع) و با همکاری مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در لبنان برگزار شد.

حجة الاسلام والمسلمین شیخ حسن بغدادی، عضو شورای مرکزی حزب الله طی سخنانی با اشاره به اینکه هدف از برگزاری این نشست، پاسخ به شبهات فتنه‌انگیز و بدعت‌هایی است که به امامان مذاهب اسلامی نسبت می‌دهند، تأکید کرد: تمام مصیبت‌ها همین افرادی هستند که تلاش می‌کنند وحدت مسلمانان را از بین ببرند و صفوف آنان را از هم بگسلند.

وی با تأکید بر اینکه زیارت قبور مؤمنان در دنیا موجب شادمانی قلوب و در آخرت موجب ثواب خواهد شد، به سه اشکال مطرح شده در موضوع زیارت قبور پاسخ داد.

شیخ بغدادی در پاسخ به این اشکال که در روایات، بهترین قبور را قبور قدیمی عنوان می‌کنند و از زیارت قبور نهبی می‌کنند، گفت: قدیمی بودن قبور ربطی به اصل زیارت آن ندارد.

وی همچنین در مورد اشکال دوم که می‌گویند میت پس از دفن تبدیل به خاک

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

جوانان تقریبی منتشر کننده فرهنگ تقریب در جوامع اسلامی هستند

جنگ با روم بود و پیامبر(ص) بزرگان صحابه را مأمور به اطاعت از وی کرده و فرمودند: لعن الله من تخلف عن جیش اسامه.

آیت الله تسخیری ضمن اشاره به موج بیداری اسلامی در کشورهای جهان گفت: دشمنان اسلام ۳۰ سال تلاش کردند که بین انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی کشورهای جهان با عناوینی چون: فارس فویبا (ایران هراسی)، اسلام فویبا (اسلام هراسی) و شیعه فویبا (شیعه هراسی) فاصله بیندازند، اما مگر می‌شود نور خدا را خاموش کرد؟

وی افزود: ما امروز با هر هیتی از تونس، مصر، لیبی، یمن و... ملاقات می‌کنیم، اذعان می‌کنند که ما از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌ایم.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تأکید کرد: این جوانان بودند که وارد صحنه شدند و از موانع سنی و شیعه و... عبور کردند و این انقلاب را جوانانه برپا نمودند.

وی در پایان تصریح کرد: تقریب یکی از عوامل بزرگ وصل جهان به انقلاب اسلامی است و این جوانان تقریبی هستند که می‌توانند فرهنگ تقریب را در جوامع اسلامی منتشر کنند.

اساس تعلیمات اسلام، مراد جوان‌هایی هستند که توانسته‌اند خود را به حد تعادل برسانند و یا جامعه‌ای که به توازن رسیده است. جوان‌هایی که خود را به این مرحله نرسانده‌اند، غیر انقلابی هستند و بیشتر مورد مذمت قرار می‌گیرند.

وی با بیان خصوصیات جوان انقلابی ادامه داد: جوانی که توانست بخش جهان بینی خود را تکمیل کند و بخش عاطفی وجودش را با آن جهان بینی هماهنگ نماید و اراده خود را بر رفتار منسجم با آن دو بخش به دست آورد، این جوان، بالاترین جوان انقلابی و جوان بیدار اسلامی است. و جامعه‌ای که توانست هماهنگی بین بخش تعلیمی و تبلیغاتی و فرهنگی خود برقرار کند و همه زندگی را به نام خدا بخواند، این جامعه نیز جامعه انقلابی است.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به این روایت که ما بعث الله نبیاً الا شایباً (خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر در مرحله جوانی)، گفت: پیامبر اکرم(ص) نیز مسئولیت‌های بزرگی را به جوانان محول می‌کردند، به عنوان مثال، اسامه بن زید که فرمانده ارتش عظیم اسلامی در

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تأکید کرد: تقریب یکی از عوامل بزرگ وصل جهان به انقلاب اسلامی است و این جوانان تقریبی هستند که می‌توانند فرهنگ تقریب را در جوامع اسلامی منتشر کنند.

آیت الله محمد علی تسخیری در همایش جوانان و جهان اسلام با تأکید بر اینکه راه تقریب مقدس است، خاطر نشان کرد: ما باید با قدرت و بر اساس عبارت «وربطنا علی قلوبهم اذقماوا پیش برویم تا ان شاء الله این راه مقدس به ثمر بنشیند. وی با بیان روایتی از امام باقر(ع) مبنی بر اهمیت دادن امام زین العابدین(ع) به علم آموزی جوانان، خاطر نشان کرد: دین اسلام به جوان به خصوص جوان انقلابی و تحول ساز بسیار اهمیت قائل است و از نظر این دین مبین، اصل در جوان آن است که تحول ساز باشند.

آیت الله تسخیری افزود: برخی گمان می‌کنند که وقتی مسئله انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، صبر انقلابی و جوان انقلابی مطرح می‌شود، مراد افرادی است که از حد تعادل گذشته و به حد افراط رسیده‌اند. آنان به این برخورد، برخورد انقلابی اطلاق می‌کنند. در صورتی که بر

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرمانده کل قوا:

دشمنان اسلام همبستگی مذاهب اسلامی را بالاترین خطر برای خود دانسته‌اند

همبستگی مذاهب اسلامی را برای خود بالاترین خطر دانسته و در این مسیر نیز با استفاده از توان تبلیغاتی و رسانه‌ای خویش نفاق و تفرقه بین صفوف به هم پیوسته مسلمین را دنبال می‌کنند.

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرمانده کل قوا با تقدیر از خدمات ماموستایان اهل سنت منطقه غرب کشور به ویژه استان کردستان در راستای تنویر افکار عمومی و مقابله با توطئه‌های فرهنگی و عقیدتی دشمنان اسلام، اظهار داشت: ماموستایان اهل سنت نقش بسزایی در مقابل حمله‌های فرهنگی دشمنان دارند و باید در این برهه زمانی با تلاشی مضاعف جوانان و قشر آینده ساز جامعه را از این توطئه‌ها مصون دارند.

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرمانده کل قوا تصریح کرد: ایران اسلامی از مذاهب مختلف اسلامی تشکیل شده و در طول هزاران سال اقوام و مذاهب مختلف در این مرز پرگهر همواره با صلح و صفا و همبستگی در کنار هم زندگی کرده‌اند و با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور این مهم به اوج خود رسید.

حجت الاسلام صفایی افزود: با پیروزی انقلاب اسلامی آمریکا و صهیونیسم جهانی

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرمانده کل قوا با اشاره به توطئه‌های روز افزون دشمنان اسلام برای تفرقه بین مذاهب اسلامی، گفت: ماموستایان اهل سنت نقش بسزایی در مقابل حمله‌های فرهنگی دشمنان دارند.

به گزارش تقریب از سنندج، حجت الاسلام غلامرضا صفایی در جمع ماموستایان و روحانیون کردستانی و اعضای بسیج طلاب استان در سنندج، اظهار داشت: کم رنگ کردن آموزه‌های دینی و خدشه دار کردن مبانی اعتقادی جوامع اسلامی از جمله اهداف دشمنان اسلام است که هر روز با شگردی نو ارائه می‌شود. وی افزود: دشمنان اسلام همواره اتحاد و

الف) تکیه بر عناصر مشترک دینی:

راه اصولی برای رسیدن یک جامعه به وحدت درونی این است که بر مهم ترین عناصر مشترک تکیه کنند. از نظر قرآن هیچ عنصری مهم تر از عنصر دینی نیست. از این رو این کتاب آسمانی اولین راهکار وحدت را تکیه بر عناصر مشترک دینی می‌داند. این راهکار نه تنها در سطح امت اسلامی بلکه در سطح تمام ادیان آسمانی کاربرد دارد: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئاً (آل عمران ۶۴) بگوای اهل کتاب به سوی کلمه ای که مشترک بین ما و شماست بیایید و آن این که جز خدای یگانه را نپرستیم و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهیم.

گرچه این آیه در مورد اهل کتاب است اما پیام آن اختصاص به این مورد ندارد بلکه یک طرح کلی را در تعامل با دیگران ارائه می‌کند. بر اساس این طرح مسلمانان می‌توانند در حوزه‌های مختلف تشکیل وحدت بدهند. در حوزه وسیع می‌توانند با تمام ادیان آسمانی بر طبق باور مشترک به خدا و دین الهی در مقابل دیگران متحد شوند. در دایره محدودتر جوامع مختلف اسلامی می‌توانند بر اساس مشترکات فراوان دینی یا حفظ هویت مذهبی شان گردهم آیند. پیشگامان وحدت اسلامی نیز طبق همین طرح گام بر میداشتنند.

بحث و گفتگوی علمی در زمینه مسائل مورد اختلاف نه تنها با طرح وحدت اسلامی در تضاد نیست بلکه نقش مهمی در موفقیت آن دارد، زیرا اتحادی عمیق و پایدار است که توأم با معرفت و شناخت باشد نه کورکورانه و از روی احساسات. آن چه لازم به نظر می‌رسد این است که این گفتگوهای علمی توأم با منطقی و احترام متقابل باشد.

ب) اصالت دادن به ارزش های اسلامی:

از مباحث مهمی که در موضوع وحدت اسلامی مطرح است، میحث خودی و غیر خودی است. از منظر قرآن، تنها معیار خودی، رابطه مکتبی و دینی است نه رابطه ی ملی، زبانی، نژادی و حتی نه رابطه ی پدر- فرزند. به هر میزانی که این ارتباط معنوی مستحکم باشد به همان میزان هم معیار خودی پر رنگ خواهد بود.

طبق این اصل کلی پیامبر اسلام (ص) ابوذر غفاری و سلمان فارسی را جزء خاندان خود دانسته است. در نقطه مقابل، خداوند فرزند نوح را بیگانه شمرده و رابطه ی پدر فرزندى آنها را نادیده گرفته است: «یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح (هود/۴۶) ای نوح همانا فرزند تو از خاندان تو نیست، همانا عمل او غیر صالح است.

ج) ایجاد وحدت درونی:

وحدت و هماهنگی وقتی پایدار است که از درون سرچشمه بگیرد و همراه با همدلی باشد. به دیگر سخن وحدت ظاهری و بیرونی آنگاهی کارساز و ماندگار است که ناشی از وحدت باطنی و درونی باشد و گرنه آن اتحاد، زودگذر و بی اثر خواهد بود.

تحقق وحدت از منظر بیداری اسلامی

بیداری، حرکتی فراگیر برای بازگشت اسلام به هویت خویش است. بعد از قرن‌ها انزوا و شکست برای مسلمانان، علماء و اندیشمندان دلسوز در جهان اسلام به این نتیجه رسیدند که احیاء اسلام جز با بازگشت به اصل اسلام توسط مسلمانان و در عین حال احترام به دستاوردهای جدید بشری ممکن نیست. بر همین اساس بیداری اسلام در قرن اخیر سبب آگاهی مسلمانان به دین و بازگشت آن‌ها به احکام اسلامی و بازیابی عزت اسلامی در جهان شده است.

یکی از دستاوردهای مهم بیداری اسلامی احیاء و ثبت وحدت اسلامی است. چرا که یکی از آفت‌های بنیادین جوامع اسلامی تفرقه میان اندیشه‌ها و مذاهب اسلامی بوده است. تقریباً از قرن چهار هجری به بعد اغلب کتب مهمی که در میان مسلمانان نوشته شده بر پایه تعصب بر یک تفکر اسلامی و تخطئه دیگر تفکرات اسلامی بوده است و بدون این که راهی را برای وحدت و تسامح بگشاید. وضع عملی وضع از این بدتر بوده است. چرا که برای قرن‌ها جنگ‌های پیاپی که میان پیروان مذاهب و مکاتب فکری اسلامی رخ داده است، فرصتی را برای رشد و پویایی مسلمانان و توسعه دین قرار نداده است.

اصل انصاف در حقوق از دیگر اصول حاکم بر وحدت مورد نظر بیداری اسلامی است. به طوری که حداقل علماء هر مذهب باید از تعصب دوری جویند و اگر عملی از سوی پیروان آن‌ها رخ داد که نادرست بود و با اصول وحدت ناسازگار، باید علناً آن را محکوم کنند. صداقت در این خصوص بسیار مهم است، زیرا رفتار غیر صادقانه به تشویق عوامل تندرو در هر گروه ختم می‌شود تا به پیروان مذاهب دیگر آسیب برسانند.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

تفاوت علمای شیعه و علمای وهابی در عربستان

نویسنده و پژوهشگر عربستانی با مقایسه علمای اهل تسنن و شیعه در این کشور؛ مفتیان وهابی سعودی را به تفرقه افکنی و صدور فتوای افرافی متهم کرد و آنها را مسئول اختلافات مذهبی در این کشور دانست.

دکتر مضاوی الرشید در مقاله ای در روزنامه القدس العربی نوشت: بهار عربی زمینه را برای به وجود آمدن درگیری های خونین میان رژیم های سرکوبگر و ملت ها فراهم کرد؛ ملت‌هایی که پس از چندین دهه به حاشیه رانده شدن و تحمل انواع ظلم؛ خواستار آزادی، عدالت و بخش هایی از ثروت های کشور هایشان هستند.

وی افزود: فارغ از بهانه های رژیم های سرکوبگر برای ظلم ها علیه ملت هایشان تحت عناوین مختلف، مشاهده می کنیم که بیشتر ملت های عرب در سایه وجود رژیم های زندگی کرده اند که از ابتدایی ترین حقوق اولیه بشر محروم بوده، و این رژیم ها همواره امنیت و بقای خودشان را بر حقوق مردم ترجیح داده اند.

مضاوی الرشید خاطر نشان کرد: عربستان سعودی نیز از این وضعیت مستثنی نبوده است. زیرا در منطقه الشریقه اعتراضاتی به وقوع پیوست که آخرین نمونه آن حوادث العوامیه بود؛ علت اصلی وقوع آن سرکوب و به حاشیه راندن برنامه ریزی شده شیعیان از سوی نظام آل سعود بود. به دنبال این حوادث آل سعود، بدون ذکر نام ایران، این کشور را به دست داشتن در این حوادث متهم و آن کشور را مسئول تحریک افکار عمومی شیعیان این منطقه معرفی کرد.

این نویسنده عربستانی خاطر نشان کرد: عوامل رژیم آل سعود بر روی منابر خواستار سلب تابعیت شیعیان و سرکوب شدید آنها و حتی ریشه کنی و کشتار دسته جمعی آنها شدند تا به زعم خودشان پایگاه های کفر، مزدوری برای بیگانگان و تهدید امنیت ملی را از ریشه برکنده و آن را پاکسازی کنند. در همین وضعیت شیخ نمر النمر به یاره سرایی های این افرایون مزدور نظام پاسخ داد؛ و سرسپردگی و وابستگی شیعیان عربستانی به کشورهای دیگر را رد و اعلام کرد: ما فقط بنده و سرسپرده ذات الهی هستیم و بدین ترتیب ادعاهای نظام را نقش بر آب کرد و از آنها خواست اگر در ادعاهایشان راستگو هستند روابط دیپلماتیکشان را با کشوری که مدعی دست داشتن آن در حوادث عوامیه هستند قطع کنند، و به جای سرکوب شیعیان عربستانی و محروم کردن آنها از حقوق شهروندی و اجتماعی و ستون پنجم دانستن آنها؛ به طور علنی علیه آن کشور اعلام جنگ کنند.

مضاوی الرشید در ادامه نوشت: چالش مطرح شده اخیر شیخ نمر در وضعیت تشدید اختلافات فرقه ای در شبه جزیره عربستان و به دنبال حوادث بحرین، از سوی مدعیان رهبری اهل سنت و کسانی که وی را تحت عنوان آیت الله نمر و شخصیتی به دور از درگیری های فرقه ای می شناسند، پذیرفتنی نبود.

مضاوی الرشید اظهار داشت: ما بر این باوریم که امروزه میان مدعیان رهبری اهل سنت و شیخ نمر تفاوت اساسی وجود دارد. زیرا آنها نه تنها در برخورد با مشکل اختلافات فرقه ای و حل آن عاجز بوده اند بلکه همواره آتش اختلافات مذهبی را روشن نگه داشته، و با صدور فتاوی تحریک کننده و افرافی به آن دامن می زنند.

مضاوی الرشید تاکید کرد: این افراد اگرچه ممکن است در برخورد با برادران دینی شان تظاهر به قهرمان بازی کنند اما همواره از امر مهمی به نام رهایی از بندگی فارغ بوده اند و هر کدام از علمای عربستانی که به موضوعی غیر از حرمت اختلاط زن و مرد، ممنوع بودن رانندگی زنان و سایر مسائل ساختاری و شکلی پرداخته باشند، راهش به سوی زندان بوده است؛ هم اکنون نیز شمار زیادی از آنها به خاطر دفاع از حقوق مردم یا بیان حقایق در سیه چال های آل سعود به سر می برند.

مضاوی الرشید اظهار داشت: رژیم آل سعود توانسته است نیروهای سنی اصلاح طلب را در این کشور با متهم کردن به حمایت از تروریسم یا زندانی کردن آنها بدون محاکمه از میدان خارج کند، و امروزه جز افرادی که منابر را به عرصه ای برای تبلیغ فقه اطاعت مطلق از حکام و تحریم هر گونه اعتراض مسالمت آمیز تبدیل کرده، و اصلاح طلبان را به آتش دوزخ وعده می دهند در میدان حضور ندارند.

مضاوی الرشید خاطر نشان کرد: آنها امروزه به انتقاد از شیخ نمر می پردازند. این در حالی است که علمایشان مفاهیمی را ترویج می کنند که دیگر در مقابل انتشار افکار آزادی خواهانه و مطالبه حقوق مردم در میان شهروندان عرب حرفی برای گفتن ندارند.

این نویسنده عربستانی خاطر نشان کرد: آنچه موجب رسوایی بیش از پیش عالمان درباری در وضعیت کنونی شده است، وضعیت تاریخی و سیاسی منطقه عربی است که از چندین دهه پیش تاکنون شاهد چنین شرایطی نبوده است و بی تردید همانگونه که شیخ النمر سیاست ها و اقدامات تبعیض آمیز آل سعود را افشا کرد و وضعیت کنونی منطقه نیز به رسوایی بسیاری از شخصیت های دینی عربستانی خواهد انجامید.

مضاوی الرشید گفت: ملت های عرب عملاً به سیر مبارزات ملت های تأثیر گذار در جهان پیوسته اند. این در حالی است که تا چندی پیش گمان می شد که این ملت ها از خواب غفلت بیدار نخواهند شد. اما امروزه شاهد بیداری این ملتها و شکستن بندهای بندگی از دست و پایشان هستیم که سالیان درازی نیروهای غارتگر خارجی و داخلی برای حفظ وضعیت موجود و نگه داشتن آنها در یوغ بندگی تلاش کرده بودند.

مضاوی الرشید تاکید کرد: شیخ نمر در اظهارات اخیر و چالشی خود از مسأله متفاوت و عجیبی پرده برداشت که باعث سنگینی وظیفه همه ملت های عرب به ویژه مردم شبه جزیره عربستان شد و زمینه را برای مطرح شدن مجدد فقه آزادی خواهی و قیام در مقابل حکومت های تمامیت خواه و اقدامات غیر قانونی آن در فضای بسته عربستان فراهم کرد.

این نویسنده عربستانی تاکید کرد: امروزه که ملت ها برای دستیابی به حقوق مشروعشان قیام کرده و سکوتشان را شکسته اند، دیگر علمای درباری قادر نخواهند بود مردم را بار دیگر به زیر چنگال قدرت خودشان و دربارها در بیاورند و در آینده شاهد حوادث پیش بینی نشده ای خواهیم بود که ندهای علمای درباری برای به یوغ کشیدن مردم در مقابل آن دوام نخواهند آورد.

پیروزی فلسطین، پیروزی مقاومت، پیروزی حماس

یاسین و عبدالعزیز رنتیسی قرار داشتند.

می دانیم که تعداد زیادی از اسرا همچنان در بند اسارت هستند و آزاد نمی شوند و از میان آنان قهرمانان بزرگی هستند که وجود هر یک از آنها به ارتش کاملی می ارزد؛ در رأس آنان، فرماندهان بزرگ حماس قرار دارند که محکوم به سخت ترین احکام در داخل



زندان های اشغالگران هستند از جمله: ابراهیم حامد، عبدالله برغوثی، حسن سلامه، عباس سید، جمال ابو الهیجا، معاذ بلال و دیگران. علاوه بر این ها مروان البرغوثی از رهبران فتح و احمد سعادت رهبر جبهه خلق هم وجود دارند. اما ما می دانیم که این افراد هیچ گاه به این علت که خود مشمول این قرارداد نیستند، مانع انجام مبادله اسرا نبوده اند چرا که خود آنان الگوهای واقعی بخشندگی و ایثار از همه شایسته ترند. جزئیات این مبادله بسیار شگفت انگیز و جالب هستند، این که نزدیک به ۳۰۰ تن از اسرای محکوم به حبس ابد آزاد خواهند شد، به علاوه ۷۰۰ نفر دیگر که اکثرشان دارای احکام بالایی هستند به همراه تمام اسیران زن؛ این یک دستاورد بزرگ است که با سازش و امتیازدهی به دست نیامده است. ملت فلسطین در طی فرایند اسلو به تجربه دریافته است که چگونه اسرای محکوم به حبس ابد آزاد نشده اند و صرفاً افراد دارای احکام ساده با استثنای محدودی آزاد می شوند. به همین ترتیب این مبادله که اسرای قدس، جولان و فلسطین سال ۴۸ را در بر می گیرد؛ علاوه بر این که اسیرانی از تمام جناح ها را شامل می شود، تنها بر وحدت ملت فلسطین در هر مکان و اصرار مقاومت بر مخالفت با دسته بندی اسرا بر اساس معیارهای صهیونیستی تأکید می کند.

از سوی دیگر، عده ای نیز پس از اعلام جزئیات، شروع به کم اهمیت نشان دادن این مبادله به ویژه در بخش متعلق به موافقت با تبعید اسرا به نوار غزه و خارج از فلسطین خواهند کرد. اما ملت فلسطین به خوبی می داند که آنچه انجام گرفته است یک پیروزی تاریخی است، همان گونه که می داند مبارزه در راه آرمان فلسطین منحصر به افراد موجود در چارچوب مرزهای آن نیست؛ بلکه شامل افرادی در خارج از فلسطین و دیگر فرزندان برومند این ملت هم می شود. هر چه باشد تاریخ فلسطین این پیروزی را در مهمترین صفحاتش با حروف نورانی ثبت خواهد کرد. این راه فراموش نمی کنیم و از باب مبالغه هم نیست که بهار عربی با رشادت ها و شهادت های خود سهم بسزایی در شتاب دادن به این مبادله داشته است و طبعاً پس از آن صورت گرفت که نتایج به بیداری امت پی برد و دانست که نیروهای اسلامی به پیش می آیند و با گذشت زمان هزینه ها بیشتر خواهد شد. این همان چیزی بود که شخصاً در سخنرانی خود پیرامون این مبادله به آن اشاره کرد.

در اینجا مهم است که ما از رهبران فتح دعوت کنیم تا برای آزادسازی بازداشت شدگان حماس و جهاد اسلامی که در بند تشکیلات خودگردان در رام الله هستند، پیش از آزادی اسرای زندان های رژیم صهیونیستی اقدام کنند که تعداد زیادی از اعضای جنبش فتح هم در بین آنان قرار دارند. ناگفته نماند که پیروزی بزرگتر بر پروژه صهیونیسم ناگزیر فرا خواهد رسید و به یاری خداوند تمام اسرا سر بلند آزاد خواهند شد (مبادلات دیگر نیز بعید نیست) و از جمله آنها افرادی هم حضور خواهند داشت که بعداً به خاطر ادامه مقاومت زندانی خواهند شد و این بهار عربی بدون شک ما را به آن پیروزی مژده می دهد.

یاسر زعتره - مرکز اطلاع رسانی فلسطین

ما در مقابل یک معامله ممتاز تاریخی قرار گرفته ایم که در طی سال های گذشته چندان نسبت به آن خوشبین نبودیم. از این رهیافت ما متقاعد شده بودیم که دشمن ما آن قدر قدرتمند است که بتواند بدون هیچ هزینه ای سرباز اسپرش را آزاد سازد. این باور با گذشت زمان کم رنگ تر شد؛ بارها خوشبین کردن اسرا و خانواده

هایشان که نتیجه ای در برداشت تأثیراتی منفی بر روحیات اسرا و خانواده های آنان گذاشت. این علاوه بر بحث و جدل هایی بود که در خصوص اسامی اسرا در می گرفت اما این دوره ظاهراً متفاوت است. این دستاورد تاریخی بخش های زیادی دارد که نخستین بخش آن در عملیات شجاعانه و منحصر به فردی نهفته است که منجر به اسارت سرباز صهیونیستی شد. نیروهای مقاومت در این عملیات خلاقیت در برنامه ریزی را در کنار قهرمانی و شجاعت و پایداری مجریان این عملیات به ثبت رساندند. بخش دوم آن که دستاورد بزرگتر و با اهمیت تر محسوب می شود، مربوط به توانایی گردان های قسام در حفظ و نگهداری این سرباز در داخل نوار غزه به مدت پنج سال است؛ به طوری که رژیم صهیونیستی در طول این مدت هر آنچه را که در توان داشت با تمام امکانات و توانایی ها در راستای دستیابی به سرباز اسپرش به کار گرفت اما کاری از پیش نبرد.

ده ها نفر از مزدوران با عنوان های مختلف برای پیدا کردن ردپایی از سرباز اسیر دست به کار شدند؛ و جب به وجب مساحت محدود نوار غزه را با هوایماهای بدون سرنشین زیر نظر گرفتند و در طول این سال ها لحظه ای آسمان منطقه را ترک نکردند؛ حتی زباله های نوار غزه را نیز به امید دستیابی به اثری از سرباز اسپرشان زیر و رو کردند؛ سایر مزدوران شان را به داخل غزه گسیل داشتند و برای یافتن سرنخی از اسپرشان مبالغ کلانی را وعده دادند، اما سرانجام با هوشیاری و خلاقیت گردان های قسام در پنهان کردن هدف، ناکام ماندند؛ امری که بدون شک مشکلات خود را داشت. در تمام این پنج سال دشمن امید خود را برای دستیابی به سرباز اسپرش از دست نداد اما سرانجامی جز شکست و به دنبال آن ناامیدی را به همراه نداشت. این اقدام بدون شک شکست فاحشی برای نهادهای امنیتی اسرائیل است و تحلیلگران اسرائیلی از مدت ها پیش به آن اشاره کرده اند؛ علاوه بر این نوعی شکست روانی را هم برای جامعه اسرائیل به ارمغان آورده است.

این درست است که معامله سریعاً انجام نگرفت؛ اما قطعاً وجود این سرباز در بند اسارت و تهاجم و حشیانه ای که نتیجه ای برای آزادسازی او در بر نداشت، همه این مسائل چیزی جز خوار و زبونی را برای دشمن صهیونیستی و جامعه اسرائیل رقم زد. در مقابل، این امر تأکیدی بود از یک سو برای ملت فلسطین و از سوی دیگر توده های امت مبنی بر این که مقاومت زنده و پابرجاست و نیروهای مقاومت در هیچ شرایطی تسلیم نشده و نخواهد شد. در این پنج سال ما از لحاظ روحی از توازن نیروها برخوردار بودیم و پرده آخر این نمایش چیزی جز نقطه اوج پیروزی نبود و لزوماً نوعی مذاکره غیر مستقیم با دشمن را ابداع کرد. این یک پیروزی از آن ایده مقاومت و برنامه های آن است، علاوه بر این که پیروزی بزرگی برای جنبش مقاومت اسلامی حماس هم محسوب می شود که بهترین مردان خود را در میدان های شجاعت و شهادت تقدیم کرد و زبده ترین فرماندهانش را در میادین قهرمانی نثار کرد که در رأس آنان شیخ احمد

آینده لیبی بعد از مرگ قذافی



است. اکنون، امریکا از کشته شدن قذافی به عنوان میانبری برای رسیدن به هدف پنهان خود استفاده می کند؛ دست انداختن به خاک لیبی.

ارزش نفت لیبی در کیفیت آن نهفته است و نه در کمیت آن. نفتی که از لیبی صادر می شود

معمولاً نفت شیرین خام است که به کمترین میزان پالایش نیاز دارد و در این در حالی است که، بیشتر نفت صادراتی عربستان سعودی و دیگر کشورها از کیفیت کمتری برخوردار است.

فیدل کاسترو، رهبر انقلابی کوبا، عملیات نظامی ناتو در لیبی را بهانه ای برای امریکا جهت حمله به لیبی و تحت کنترل در آوردن منابع نفت این کشور، دانسته است.

کاسترو در مقاله ای با عنوان "جنگ اجتناب ناپذیر ناتو" پیش بینی کرد که عملیات نظامی امریکا و ناتو، فقط و فقط برخاسته از تلاش آنان برای دست اندازی بر نفت این کشور شمال آفریقا است.

نماینده کنگره امریکا دنیس کاسینیچ نیز در همین راستا، از واشنگتن به دلیل تلاش برای دست گرفتن کنترل منابع عظیم نفت لیبی با بهره گیری از شیوه مداخله نظامی، به شدن انتقاد کرد.

وی در این باره گفت: آیا ایالات متحده امریکا، با شرکت در مبارزات برای براندازی رژیم لیبی، در تلاش برای تحقق خواسته شرکت های بزرگ نفتی مبنی بر دست اندازی بر یکی از بزرگترین منابع نفتی جهان بوده است؟

وی همچنین دولت امریکا را به دلیل شرکت در جنگی که از منابع مالی آن باید برای ایجاد اشتغال در امریکا و پروژه های عمرانی در این کشور استفاده می شد، محکوم کرده است.

هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا نیز نگرانی مشابهی را مطرح کرده و گفته است، هدف امریکا از حمله به لیبی، دستیابی به نفت این کشور است.

وی همچنین گفته است که فکر دستیابی به نفت لیبی، دولتمردان ایالات متحده را به مرز دیوانگی کشانده است و هدف آن ها هنگام حمله به عراق نیز، تسلط بر منابع نفتی این کشور بود.

قذافی، زنده یا مرده، به سختی می توانست نقشی را در آن چه تحولات آینده لیبی برای مردم این کشور در آستین دارد، ایفا کند.

اکنون این پرسش مطرح است که، مرگ قذافی چگونه می تواند به لیبیایی ها در حرکت به سوی دموکراسی، یاری برساند.

در حالی که غرب جای پیش را در این کشور محکم می کند و امریکا حکاکای آینده لیبی را به دست گرفته است، به سختی می توان افق روشنی را برای این کشور تصور کرد مگر این که لیبیایی ها با یکدیگر متحد شوند و خودشان برای خود تصمیم گیری کنند.

هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا، بیشتر در کمک جدیدی به لیبی، میلیون ها دلار به این کشور به نشان به اصطلاح حسن نیت پرداخت کرد و از حاکمان جدید لیبی خواست که آینده ای بدون مجازات و قصاص در این کشور رقم بزنند.

کلینتون در جریان سفر اخیر خود به لیبی اظهار داشت: "من افتخار می کنم که در خاک لیبی آزاد هستم. کشور امریکا از این که در مبارزات برای آزادی در کنار شما ایستاد، احساس غرور می کند و به همراهی با شما در این سفر ادامه می دهد."

اما چرا این گونه است که امریکا حسن نیت خود را صرفاً خرج کشورهای نفت خیز می کند و در مقابل، کشوری مانند فلسطین از سوی دولت امریکا نادیده گرفته می شود.

فلسطینی که در سال ۲۰۰۹ در عملیاتی که رژیم اسرائیل آن را به عنوان عملیات سرب گداخته و فلسطین آن را به عنوان کشتار غزه می شناسند، سه هفته مورد تاخت و تاز مرگبار رژیم اسرائیل قرار گرفت. بر پایه گزارش های منتشر شده، در ماه ژانویه سال ۲۰۰۹ پس از ۷ روز بمباران، ۹ تا ۱۰ هزار نیروی رژیم اسرائیل حمله و وحشیانه ای را به غزه آغاز کرده و اقدام به قتل عام فلسطینی ها کردند؛ بیش از ۱۴۰۰ فلسطینی که نیمی از آن ها زن و کودک بودند، کشته شدند.

همچنین بیش از ۳ هزار و سیصد نفر نیز زخمی شدند که برآورد می شود ۴۵ درصد آن ها زن و کودک هستند. آنچه در غزه رخ داد، برای قلب ها، روان ها و گوش ها، بسیار دردناک بود.

اما واشنگتن به طور بی شرمانه ای در مورد آن سکوت کرد. این آپارتاید راهبردی و سیاسی از کجا می آید؟ در مقابل، امریکا به شدت نسبت به تحولات در منطقه به ویژه در کشورهای نفت خیز مانند لیبی در حالت آماده باش قرار داشته و گوش به زنگ

با وجود این که خبر کشته شدن معمر قذافی دیکتاتور فراری لیبی بر اثر جراحات وارده به دنبال حمله ناتو، موجی از شادی را در میان مردم لیبی برانگیخت، ناظران سیاسی که به این رخداد با دیدی آمیخته با تردید می نگرند، واکنش های متفاوتی از خود نشان دادند.

عبدالمجید ملیقظه از مقامات شورای عالی انتقالی لیبی گفت: "او (قذافی) در ناحیه سرنیز مورد اصابت گلوله قرار گرفت. تیراندازی زیادی به سمت کاروان وی انجام گرفت و وی جان سپرد."

وی همچنین فاش ساخت قذافی در حالی که همراه با کاروانی که هدف بمباران جنگنده های ناتو قرار گرفت، در حال فرار بود، از ناحیه هر دو پا نیز مجروح شد.

آیا این بدین معناست که نیروهای ناتو که از حضور قذافی در این کاروان خبر داشتند، وی را زنده نمی خواستند؟ اگر چنین است، چرا آن ها باید مرده وی را بخواهند؟ باید گفت، برای نیروهای ناتو قذافی مرده بهتر از قذافی زنده است. با وجود این، یک گزارش دیگر حاکی از این است که قذافی در حفره ای پنهان شده بود و به مردانی که وی را گرفته بودند، می گفت: "شلیک نکنید، شلیک نکنید."

بیاد آوردن اینکه صدام حسین دیکتاتور عراقی نیز به همین صورت از یک گودال به بیرون کشته می شد، نیازمند داشتن یک حافظه فوق العاده نیست.

مادامی که به ناتو به عنوان برنده این جنگ نگرسته شود، این که قذافی دستگیر یا کشته شده است، تفاوت زیادی در مسئله ایجاد نمی کند.

بدون تردید، حضور نیروهای امریکایی تحت پوشش ناتو تردیدهای جدی را در رابطه با "حسن نیت" نیروهایی که شانه به شانه با انقلابیون لیبی برای سرنگون کردن قذافی و خانواده وی می جنگیدند، بر می انگیزد.

رمزگشایی پیروزی اسلام گرایان در انتخابات تونس

النهضة به ویژه کاری را صورت داد که بیشتر رقیبان در انجامش کوتاهی کردند. اسلام گرایان از ماه ها پیش کارهای زیربنایی را آغاز کرده بودند. آنها خانه به خانه و کوچه به کوچه همه جا را زیر پا می گذاشتند؛ با دقت تمام روی نقاط استراتژیک

همانند نهادهای اجتماعی، مساجد، آرایشگاه ها و کافه ها حساس شدند. آنها به ویژه به سوی طبقه های پایین جامعه کشش داشتند؛ با علم به اینکه برای این طبقه "خدا ترسی" اغلب تنها ویژگی مثبتی است که اسلام گرایان

النهضة از آن برخوردارند. اما اسلام گرایی تنها واکنش طبقه محروم به جامعه ای است که لایه های بالایی آن از جهانی شدن سود می برند. اسلام گرایی همچنین شکافی را پر می کند که بحران اخلاقی تونسبان آن را پدید آورده و انقلاب مردمی تنها بخشی از آن را برطرف کرده است. مردم تونس ۲۳ سال از گار زیر حکومت دیکتاتوری به سر بردند که برپایه سرکوب و فساد مالی شکل گرفته بود و هرکس به این موضوع تن نمی داد و راه مخالفت و ناسازگاری را در پیش می گرفت، دیر یا زود باید با حکومت کنار می آمد یا سر به نیست می شد.

حتی امروز هم فساد و خیرچینی در تار و پود جامعه دیده می شود و درست از همین روست که حزبی که به تعالیم اسلامی قرآن استناد و اتکا می کند؛ به عنوان بهترین برگزیده می شود.

اینکه النهضة در ماه های آینده کدام سیاست را در پیش می گیرد، بستگی زیادی به ائتلافی دارد که این حزب به ناچار باید تن به آن بدهد. ائتلاف برای جمهوری به رهبری منصف المرزوقی، حقوقدان و فعال مدنی هم پیمان نزدیک النهضة شمرده می شود.

صبورانه برای انداختن آرای خود به صندوق ها انتظار می کشیدند تا برای نخستین بار در زندگی خود آزادانه در انتخابات شرکت کرده باشند. این نظم و حقیقت که صندوق های انتخاباتی زیر هجوم رای دهندگان از هم فرو نپاشید، از کارکردی

درخشان حکایت دارد. از همین رو بود که اعلام نتایج نهایی در روز سه شنبه به علت استقبال بی سابقه مردم اهمیت کمتری یافت.

زمان انتظار در مدرسی که صندوق های رای در آنها برپا شده بود، برای گروه تبلیغاتی چندین و چند حزب انگیزه ای کافی بود تا همچنان روی رای دهندگانی که هنوز تصمیم نهایی خود را نگرفته بودند، تاثیر بگذارند. بدیهی است که این کار ممنوع و قدغن بود و از همین رو در گوشه و کنار تنش و زدو خوردهایی گزارش شد. درست به همین خاطر بود که تلفن ۱۸۱۴ کمیسیون ملی انتخابات بی وقفه زنگ می زد و مدام اشغال بود.

بیشتر گزارش ها هم علیه حزب اسلامی النهضة بودند؛ هرچند آمارها نشان می داد از نظر داشتن عضو، قدرتمندترین حزب تونس است.

در هفته های گذشته تردید ناچیزی در موفقیت اسلام گرایان وجود داشت. هیچ حزب دیگری در تونس به مخالفت با درهم آمیختن دین و سیاست برخاست. برگزیدن آنانی که خدا را باور دارند، راهکاری ساده و بدیهی بود. همان هایی که این سرزمین ابهام آمیز از نظر سیاسی را با ۱۰۷ حزب شان و نمایندگان که وعده هایی عملی و موثر داشتند، سازمان دادند؛ وعده برق مجانی، یک و نیم میلیون فرصت کاری تازه در سال و ساخت تونلی میان تونس و ایتالیا.

درصدی ثبت نام کنندگان در پای صندوق های رای خبر می دهند که برگزاری اش به دست وزارت کشور صورت نمی گیرد تا همانند همیشه عاملان و مزدوران رژیم سرنگون شده بن علی پیروز نهایی اش باشند، بلکه نهادهی تازه تاسیس برآمده از جامعه مدنی رشته کارها را در دست داشت.

به گفته ناظران اروپایی شمارش آرا با تاخیر فراوان در بسیاری از حوزه ها آغاز شد که علت عمده اش زمان متفاوت آغاز فرآیند رای گیری در حوزه های گوناگون و همچنین تمدید زمان رای گیری در آنها بود؛ انتخاباتی که در تونس و خارج از مرزهای این کشور آزمونی با اهمیت برای جنبش انقلابی در تمام دنیای عرب ارزیابی می شد.

تونس ها ژانویه گذشته نخستین ملتی بودند که به شورش علیه حاکم دیکتاتور خود پرداختند. پس از تونس، مصر و لیبی حاکمان اقتدارگرای خود را برانداختند. به این ترتیب تونس خاستگاه بهار عربی شمرده می شود.

پایگاه اینترنتی روزنامه "تسایت" آلمان در تحلیلی به بررسی نتیجه این انتخابات پرداخته و چگونگی پیروزی اسلامگرایان در این کشور آفریقای شمالی را زیر ذره بین برده است.

"گرو فون راندو" در تحلیلی نوشته است: ناظران انتخاباتی اتحادیه اروپا بی طرفی کمیته عالی مستقل انتخابات تونس را تأیید کرده و از کارنامه خوب آنان خبر می دهند. روند انتخابات نیز از چنان ساختاری برخوردار بود که تقلب در ابعاد گسترده ناشدنی به نظر می رسید.

در نزدیک ۸۰۰۰ صندوق اخذ رای در سراسر تونس صف رای دهندگان ۱۲ ساعت تمام همچنان برپا بود و مردم حتی سه ساعت تمام زیر آفتاب



مردم تونس نخستین بار در تاریخ خود را در آینه به تماشا نشستند. مشارکت مردمی در انتخابات مجلس موسسان تونس، نخستین انتخابات آزاد سراسری پس از سرنگونی دیکتاتوری ۲۳ ساله بن علی فراتر از چیزی بود که انتظار می رفت.

انتخاباتی که برگزاری اش به دست وزارت کشور صورت نگرفت تا همانند همیشه عاملان و مزدوران رژیم سرنگون شده بن علی پیروز نهایی اش باشند؛ بلکه نهادهی تازه تاسیس، برآمده از جامعه مدنی رشته کارها را به دست داشت و برنده اش هم اسلام گرایان النهضة بودند؛ حزب اسلام گرایی که از هم اکنون با چالش های سیاسی فراوان و مسئولیت هایی بزرگ رو به روست. برای النهضة کار تازه شروع شده است.

به گزارش (ایسنا) نزدیک به هفت میلیون نفر ۹ ماه پس از سقوط حکومت ۲۳ ساله زین العابدین بن علی حق داشتند تا در نخستین انتخابات پس از بهار عربی شرکت کنند. آنها ۲۱۷ نماینده مجلس موسسان را برگزیدند؛ نمایندگان که رییس جمهور موقت را معرفی و پیش نویس قانون اساسی را تهیه خواهند کرد. برای این ۲۱۷ کرسی ۱۱ هزار و ۲۱۷ نفر نامزد شده بودند. در حالی که پیش از برگزاری این انتخابات برآورد می شد، دو سوم مردم در انتخابات شرکت کنند، مقام های تونس از حضور ۹۰

آخرین وضعیت اخوان المسلمین مصر در گفت و گو با استاد سید هادی خسروشاهی

انشعابی در کار نیست

است که علاوه بر اینکه حدود نیم قرن با اخوان المسلمین ارتباط داشته به مدت سه سال نیز به عنوان رئیس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مصر - قاهره مشغول فعالیت بوده است. "مثلاً" در گفت و گو با وی روند فعالیت فعلی اخوان المسلمین و دیگر گروه ها و جریانات اسلام گرا در مصر را مورد بررسی قرار داده است. شماره ۹۹ مثلث/اول آبان ۱۳۹۰

اخوان المسلمین همچنان مهمترین و محوری ترین تشکیلات اسلام گرای مصر بشمار می رود. بنابراین هنگامی که بحث بر سر قدرت یافتن اسلام گرایان در ساختار جدید سیاسی این کشور به میان می آید ناگزیر جایگاه و عملکرد این گروه مورد بررسی قرار می گیرد. حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی، از چهره های



توسط سادات آغاز می شود. اخوان المسلمین انتقادات شدیدی از سیاست سازشکارانه سادات و برقراری صلح ننگین با رژیم اشغالگر فلسطین کردند و نظام با ترفندهای سیاسی و امنیتی و سرکوب آنها و دیگر مخالفین روند پیوستن به کمپ دیوید را هموار کرد و در این برهه از زمان، زندان های مصر از نو مملو از اخوان و مخالفان شد. حسنی مبارک هم از سیاست سادات و ناصر در مبارزه و محدودسازی رشد فرآیند پایگاه های اجتماعی جنبش اخوان المسلمین پیروی و تلاش کرد با ترفندهای سیاسی و حقوقی اخوان المسلمین را از صحنه سیاست مصر دور نگه دارد که با همکاری و کمک همه جانبه و کامل آمریکا و اسرائیل همراه بود. بنابراین ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین در مصر الگوی تاریخی برای تشکیل گروه ها و سازمان ها و احزاب اسلامی در جهان عرب و اسلام به شمار می رود و به طور سنتی روی جریانات سازمانی و فکری تشکیلات اسلام سیاسی تأثیر می گذارد.

گروه های دیگر اسلام گرای غیر اخوانی در مصر اکنون در چه وضعیتی هستند؟

گروه ها و سازمان های اسلامی گرای دیگر، چه آنهایی که از دوران گذشته تحت عناوین مختلف فعالیت داشتند و چه احزابی مانند حزب الوسط که اخیراً توانسته مجوز قانونی برای فعالیت بگیرد، هر کدام بر حسب امکانات خود به فعالیت پرداخته اند و اغلب آنها البته به قول غربی ها و مصری ها، تربیت یافتگان "مکتب اخوان" هستند. ولی در این میان مسأله "سلفی ها" که با پول آل سعود از قبل نیز به عنوان "انصار اسنه الم" فعالیت می کردند، مشکل ساز خواهد بود، چرا که آنها نه قبلاً فعالیت سیاسی داشتند و نه در انقلاب جوانان حضور یافتند، اکنون و پس از پیروزی و سقوط دیکتاتور، "طلبکار" شده اند و در واقع اسلام گرایان واقعی را دچار مشکل ساخته اند. ولی در مجموع باید به پیروزی اسلام گرایان واقعی و وحدت آنان، پس از پیروزی در انتخابات امیدوار بود. سلفی ها هم اگر دلارهای نفتی آل سعود قطع شود، منشأ اثری در جامعه مصری نخواهند بود.

رابطه جنبش حماس در فلسطین با اخوان المسلمین در مصر چگونه است؟

این جنبش در واقع شعبه جمعیت اخوان در سرزمین های اشغالی است و هنوز هم ارتباط همه جانبه و نیرومندی با اخوان المسلمین مصر دارد، ولی این سازمان در اندیشه سیاسی و ادبیات ایدئولوژیکی خود تغییراتی داده و در سایه همین تحولات، توانسته به جهاد مسلحانه بر ضد اشغالگران ادامه دهد و همزمان، روابط خوبی را با نظام های سیاسی قاهره، آنکارا، قطر، دمشق و تهران برقرار کند. از طرفی نباید فراموش کرد که فضا سازی غرب هم علیه اخوان المسلمین عمدتاً ناشی از موضع اخوان نسبت به مسأله فلسطین و سلطه استعماری غرب صلیبی بر بلاد اسلامی است و البته غرب به خوبی می داند که "حماس" در واقع شعبه ای از اخوان در فلسطین است و این را هم می داند که عمده ترین تأمین کننده نیازهای

به مجلس بفرستد که آنها در مجلس قراکسیون اخوان را تشکیل دادند. در آن انتخابات گروه های اپوزیسیون از حزب قدیمی الوفد تا حزب چپ التجمع و ملی گراها و ناصری ها فقط توانستند ۱۵ نفر را به مجلس بفرستند.

جنبش اخوان المسلمین تا قبل از اتفاقات اخیر در مصر چه مسیر تاریخی را سپری کرده است؟ آیا ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین در مصر الگوی تاریخی برای تشکیل گروه ها، سازمان ها و احزاب اسلامی در جهان عرب و شمال آفریقا به شمار می رود؟

تردیدی نیست که جنبش اخوان المسلمین از مهم ترین حرکت های اسلامی تاریخ معاصر در دنیای اسلامی است و طی هشتاد سال گذشته، تأثیرات شگرفی در حوادث منطقه خاورمیانه و جهان اسلامی و عرب داشته است. این سازمان همچون سایر احزاب و جریانات سیاسی، مراحل تاریخی مختلفی را سپری کرده که می توان به مهم ترین آنها به شرح زیر اشاره کرد. ابتدا باید به مرحله شکل گیری آن اشاره کرد؛ این دوران از بنیانگذاری آن در سال ۱۹۲۸ م توسط شهید حسن البنا شروع می شود. در این مرحله، اخوان المسلمین از لحاظ تئوریک و ساختار سازمانی با رهبری مرشد اول و مؤسس آن شکل گرفت و با ترور حسن البنا در ۱۲ فوریه ۱۹۴۹ م توسط عوامل ملک فاروق و به دستور انگلیس و آمریکا، طبق اسناد موجود به ظاهر به پایان رسید. در ادامه باید به مرحله تعامل آن پرداخت که این مرحله با انتخاب حسن الهضیبی به عنوان مرشد دوم و سقوط نظام منحوس پادشاهی در مصر شروع می شود. در این مرحله، میان رهبران اخوان و افسران آزاد، همراهی وفاق کامل وجود داشت و سازمان نظامی اخوان در تغییر رژیم کاملاً با گروه افسران آزاد همکاری کرد و بدون تردید اگر سازمان نظامی اخوان در ارتش با آنان همکاری نمی کرد، کودتا با موفقیت همراه نمی شد. مرحله حساس دیگر تقابل اخوان المسلمین است که افسران آزاد به سرکردگی سرهنگ جمال عبدالناصر با دستگیری رهبران اخوان المسلمین و اعدام برخی از آنان، همچون شهید عبدالقادر عوده و شهید شیخ محمد فرغلی و دیگران، در تلاش بودند پایگاه مقاومت مردمی اخوان را نابود کنند و قدرت و سلطه را در انحصار خود قرار دهند که با سرکوب وحشیانه و زندانی کردن هزاران نفر از اعضای اخوان و اعدام رهبران آن همراه بود. این مرحله با مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰ خاتمه پیدا می کند. اعدام شهید سید قطب و صالح عسماوی از آخرین جنایات ناصر قبل از مرگ بود. مرحله ترمیم و بازسازی یکی دیگر از مراحل سیر تکاملی اخوان محسوب می شود که در این مرحله با به قدرت رسیدن انور سادات آغاز می شود. سادات برای مقابله با توطئه کودتای ناصریست ها و کمونیست ها، اخوانی ها را از زندان آزاد کرد. اخوان المسلمین در این مرحله، تحت رهبری شیخ عمر التلمسانی مرشد سوم، به ترمیم و سازماندهی تشکیلات و افشاکری جنایات حکومت فردی و دیکتاتوری ناصر و دوران حاکمیت وی پرداختند. و سرانجام باید به مرحله تضاد اشاره کرد که این مرحله با دستگیری مجدد اخوانی ها در سال ۱۹۷۹

الارشاد بود، به عنوان انشعاب تلقی نمی شود. دکتر عبدالرؤف مدت ها قبل از انقلاب جوانان، خواستار تشکیل یک حزب سیاسی از سوی اخوان بود که چون مورد موافقت رهبری قرار نگرفت، از جمعیت استعفا داد و اکنون رهبری حزب الوسط را که توسط ابوالعلی ماضی، از اعضای جوان و پیشین اخوان تأسیس شده بود، به عهده دارد. بی شک آمدن احزاب سیاسی با گرایش های اسلامی می تواند موجب جذب عناصر، افراد و جوانان مسلمان با گرایش ها و نظرات گوناگون شود. فکر می کنید گروه هایی چون اخوان المسلمین با توجه به وضعیت کنونی، توانایی تأثیرگذاری مثبت بر روند تحولات کشور مصر را خواهند داشت؟

به عقیده من جنبش اخوان المسلمین مصر با جمعیت النهضه تونس که هر دو از سازمان یافته ترین گروه های سیاسی در مصر و تونس هستند و ریشه در عمق جامعه دارند کارگردانان اصلی انقلاب، پس از آغاز قیام خودجوش توده ای مردم بوده و هستند. اخوان المسلمین در مصر و النهضه در تونس که شباهت بسیار در اندیشه و عملکرد به سازمان اخوان مصر دارد با استفاده از تجربه های پیشین و در نظر گرفتن علل و عوامل سرکوب پیروزی جبهه نجات اسلامی الجزایر توسط ژنرال های فرانکوفیل، این بار نمی خواهند خود در صحنه اصلی ظاهر شوند تا با تثبیت اوضاع و اجرای قانون مورد قبول اکثریت بتوانند از طرق قانونی به اهداف خود برسند و به اداره امور بپردازند که به نظر من تاکتیک بسیار خوبی است و از اسلام هراسی غرب هم می کاهد و از اجرای واکنش های منفی و ضد مردمی آنان جلوگیری می کند. در تأثیرگذاری مثبت این دو سازمان در عرصه سیاسی مصر و تونس، جای هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد، زیرا به رغم فشار و اختناق و سرکوب سرهنگ جمال عبدالناصر و حبیب بورقیبه در طول دهه های پیشین، این دو حرکت توانسته اند همچنان سازماندهی نیرومند خود را حفظ کنند و اکنون نیز با توجه به پشتیبانی مردم می توانند نقش اساسی خود را در اداره کشور و تشکیل حکومتی جدید به خوبی ایفا کنند، به ویژه که هر دو سازمان از کادری برجسته و ارزشمندی در داخل و خارج بهره مندند که می توانند با به کارگیری آنها، به اهداف اصلی و آرمانی خود دست یابند و در سازندگی کشور به نتایج چشمگیری برسند.

شورای نظامی در قانون انتخابات اعلام کرده بود که یک سوم مجلس باید دارای کرسی مستقل باشند. به این ترتیب هیچ حزبی اکثریت را به دست نمی آورد ولی در اصلاحیه جدید این موضوع مطرح شد که همه احزاب می توانند در مجلس نماینده داشته باشند. کدامیک از این دو وضعیت به نفع اخوان المسلمین است؟

طرح انتخاب یک سوم اعضای مجلس از افراد مستقل اتفاقاً به نفع اخوان خواهد بود، زیرا اخوان المسلمین حتی در دوره انور السادات و حسنی مبارک هم توانست عناصر وابسته به جمعیت را تحت عنوان افراد مستقل به مجلس بفرستد و در آخرین انتخابات مصر که اینجانب در قاهره بودم، اخوان المسلمین توانست ۸۰ نفر از افراد مستقل را

اخوان المسلمین محوری ترین گروه اسلام گرای مصر به شمار می رود. شما از فعالیت این گروه چه ارزیابی دارید؟

اخوان المسلمین میان احزاب و گروه های اسلام گرای فعال در دنیای اسلام و عرب، روشن ترین شیوه و بینش را دارد و در واقع میانه روترین آنها به شمار می رود. شیوه ها و اندیشه های این حرکت از زمان تأسیس تاکنون، از سوی جریانات فکری مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و به طور کلی می توان گفت دو خط مشی فکری و مرجعیت اندیشه، روی تکوین فکری و جریان عقیدتی جنبش اخوان المسلمین طی هشتاد سال گذشته تأثیرگذار بوده و هنوز هم دارای تأثیر واقعی است. اخوان از جایگاه و احترام ویژه ای در میان مردم و جوانان مصری برخوردار است و با توجه به عمق جریانات اخیر، به نظر من سازماندهی و اداره مسالمت آمیز تظاهرات میلیونی به عهده جوانان و بانوان اخوانی بود. در گزارش های ماهواره ای در میدان التحریر، حضور فعال بانوان و دختران باحجاب کاملاً نشان می داد که اداره امور به عهده چه سازمان و گروهی است.

به نظر شما آیا انشعاب در اخوان المسلمین در شرایط حساس کنونی مصر موفقیت آن را به خطر نمی اندازد؟

جمعیت اخوان المسلمین مصر یکی از سازمان یافته ترین و بانضباط ترین سازمان های اسلامی - سیاسی در تاریخ معاصر است. عضویت در جمعیت، پس از طی مراحل ویژه، پس از بیعت با "مرشد" - رهبری - انجام می گیرد و با توجه به شرایط بیعت و عضویت، از هشتاد سال پیش تاکنون به رغم همه مشکلاتی که از سوی دیکتاتوری عبدالناصر و اعوان و انصارش - انور سادات و حسنی مبارک - برای آنها پیش آمده، هرگز مسأله "انحلال" جمعیت یا انشعاب - به مفهوم واقعی کلمه - مطرح نشده و در آن رخ نداده است.

البته در گذشته نیز بعضی از اعضای اخوان به ویژه برخی از اعضای جوان مانند ایمن الظواهری و یاران او از عضویت در جمعیت اخوان استعفا دادند و سازمان های جهادی را تأسیس کردند. ولی انشعابی که اساس جمعیت را با خطر روبه رو کند، رخ نداده است و اکنون با تأسیس حزب الحریه والعدالة - حزب آزادی و عدالت - بخشی از کادر رهبری جمعیت با موافقت "مکتب الارشاد" - کمیته مرکزی - و "مرشد" - رهبری - در آن حزب که اجازه فعالیت سیاسی دارد، جمع شده اند تا بتوانند طبق قوانین حاکمه بر مصر در فعالیت های سیاسی و انتخابات شرکت کنند. پیش از این، دیکتاتورهای حاکم بر مصر، به بهانه اینکه جمعیت اخوان المسلمین در اساسنامه خود شرکت در فعالیت سیاسی را قید و ذکر نکرده است اجازه شرکت در انتخابات را نمی دادند ولی پس از پیروزی انقلاب جوانان که بدون تردید جوانان اخوان هم در آن نقش عمده ای بر عهده داشتند، اخوان توانست با تأسیس حزب به فعالیت سیاسی بپردازند. البته جمعیت اصلی منحل نشده و با همان اساسنامه و تشکیلات به فعالیت خود ادامه می دهد.

به هر حال جدایی و کنار رفتن چند نفر، به ویژه شخصیتی مانند برادرمان دکتر عبدالمنعم عبدالرؤف که از کادریهای مرکزی و عضو مکتب

حماس باز هم اخوان المسلمین است و باز به خوبی می داند اخوان همانطور که همیشه اعلام کرده قرارداد ننگینی مثل کمپ دیوید را قبول ندارد و هرگز هم اسرائیل را به رسمیت نخواهد شناخت. و سابقه جهاد آنان در سال ۱۹۴۸ علیه اشغالگران صهیونیست را هم البته فراموش نکرده اند و به همین دلیل، غرب در کلیت خود از اخوان می ترسد. از سوی دیگر پس از هشتاد و اندی سال سرکوب و زندان و اعدام و تبعید، اخوان در شرایط کنونی مصر و بحران های جهان عرب، ترجیح می دهد اسلام میانه یا اسلام معتدل را نمایندگی کند. همان طریقی که برادران تونس - النهضه - به دنبال آن هستند تا فاجعه قتل عام مردم مسلمان الجزایر، پس از پیروزی "جبهه نجات اسلامی" در انتخابات تکرار نشود و به هر حال شرایط خاص هر کشوری اقتضائاتی دارد که باید آنها را هم در نظر گرفت.

به نظر می رسد اخوان المسلمین برای ورود به فضای دموکراتیک نیاز به بازخوانی مجدد دارد؟

اینکه اخوان المسلمین نتوانسته به طور کامل وارد فضای دموکراتیک شود به این دلیل بوده که تاکنون در هیچ یک از کشورهای عربی مانند مصر و تونس و مغرب و سوریه و عراق و سپس در الجزایر و غیره، فضای دموکراتیکی وجود نداشته که آنها بتوانند در سایه آن خود را مطرح کنند. ژنرال ها یا سرهنگ های ظالم حاکم بر این بلاد از سرهنگ ناصر تا حبیب بورقبیه و ژنرال بن علی و صدام و ژنرال های فرانکوفیل الجزایر و غیره، هیچ وقت در پیدایش فضای دموکراتیک را ندادند تا اخوان المسلمین با فعالیت سیاسی بتواند به صحنه بیاید. اما آنچه مسلم است جمعیت اخوان المسلمین در مصر نیرومندترین سازمان سیاسی موجود است و برای شرکت در انتخابات آینده نیازی به بازسازی تشکیلات خود ندارد. اما اگر در مصر آینده یک انتخابات آزاد برگزار شود، بی تردید اخوان المسلمین برنده نخستین آن خواهد بود. ولی این را هم به یاد داشته باشیم که جمعیت اخوان المسلمین به علت شرایط خاص موجود در جامعه مصری

قصد ندارد همه کرسی های پارلمان را در اختیار بگیرد و معتقد است که برای اصلاح امور و تشکیل دولت وحدت ملی، شرکت و حضور اعضا و افراد وابسته به احزاب سیاسی دیگر در پارلمان و دولت نیز ضروری است. نکته مهم این است که اخوان المسلمین از آغاز پیدایش تاکنون همواره اعلام داشته که ما به دنبال در دست گرفتن قدرت و هژمونی و یافتن سلطه بر امور نیستیم. هر حکومتی که به اجرای احکام شریعت اسلامی همت گمارد و به درخواست های مشروع مردم رسیدگی کند ما آن را تأیید خواهیم کرد و اکنون نیز همان برنامه را اعلام داشته اند که البته این بار هدف دیگری هم در پشت پرده هست و آن اینکه از اخوان هراسی امپریالیسم غرب و محافظ ارتجاعی اعراب نفت خوار بکاهد تا طرح های آنها برای سرکوب انقلاب مردم و استمرار بخشیدن به سلطه باقیمانده افراد وابسته به مافیای قدرت سابق، اجرایی نشود.

آیا اخوان در مدیریت افکار عمومی مصر ناتوان بوده؟ به خصوص در تشکیل دولت و برگزاری انتخابات؟

پس از تماس نیم قرن با حرکت اخوان المسلمین و شناخت سازمان از درون و به ویژه پس از اقامت سه ساله اخیر در قاهره، می توانم بگویم که در مصر هیچ سازمان و حزب دیگری - اعم از ملی و قومی و سیاسی و چپ و ناصری - به اندازه اخوان نتوانسته در جلب افکار عمومی موفق باشد. و این نتیجه عملکرد صادقانه آنان در هشتاد سال گذشته است. مسأله انتخابات و تشکیل دولت هم که هنوز آغاز نشده تا ما به قضاوت بنشینیم، بی تردید اگر تقلب بر انتخابات حاکم نشود و ژنرال های حسنی مبارک که پس از پیروزی مردم، انقلاب را به نحوی به نفع خود مصادره کردند، کنار بروند و یک دولت منتخب مردم و مدنی تشکیل شود، آن وقت می توان اهمیت موقعیت اخوان را در جامعه مصری دریافت و به ارزیابی آن پرداخت.

منظورم این است که وقتی بر محاکمه مبارک متمرکز شد، چیزی عایدش نشد؟!

البته محاکمه حسنی مبارک تاکنون یک محاکمه ساختگی و در واقع "قلابی" برای تسکین

مردم بوده و اراده جدی از سوی ژنرال های دست پرورده وی، برای محاکمه جدی و اجرای عدالت دیده نمی شود و بدین ترتیب چه سودی برای اخوان باید انتظار داشت؟

و تسخیر سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره را چگونه تفسیر می کنید؟

تسخیر سفارت اسرائیل در قاهره نمی توانست بدون برنامه ریزی سازمانی باشد. اما اخوان در آن چه نقشی داشتند؟ من نمی دانم! و اگر هم نقشی را ایفا کرده باشند به مصلحت نمی دانند که در شرایط فعلی آن را ابراز کنند. برنامه ریزی برای آینده از سوی اخوان هم بدون تردید به دور از نگاه "مکتب ارشاد" و "مرشد" اخوان نخواهد بود.

آیا این حزب تجربه انشعاب در تشکیلات خود را خواهد داشت؟

قبلا هم اشاره کردم که شاید جمعیت اخوان المسلمین یکی از منحصر به فردترین احزاب و سازمان های سیاسی در تاریخ معاصر است که هیچگاه در طول بیش از هشتاد سال از تأسیس خود دچار انشعاب به مفهوم مشهور آن نشده است. در سال های نخست تأسیس نفوذ شگفت آور و گسترش تشکیلات آن در سراسر مصر و سرزمین های عربی، واحد ویژه ای تحت عنوان النظام الخاص که بعضی ها نام آن را سازمان سری گذاشته اند به وجود آمد که برنامه آن آموزش های ویژه عقیدتی، سیاسی و نظامی برای افراد خاصی بود که پس از طی مراحل آموزش گوناگون انتخاب می شدند و هدف واقعی آن تربیت کادرهای ویژه برای مبارزات مسلحانه با دشمن صهیونیستی بود. این واحد خاص، نخست زیر نظر مستقیم مرشد عام شیخ حسن البنا اداره می شد که بعدها به علت کثرت کار، اداره آن به یکی از اعضای مرکزی جمعیت به نام عبدالکریم عابدین واگذار شد که متأسفانه او به اقدامات خودسرانه علیه مخالفان خود دست زد و به علت شکایت بعضی از اعضای جمعیت، شهید حسن البنا او را از کار برکنار و از حزب اخراج کرد. بعد از او احمد السکری از کادرهای اصلی سازمان به جای او نشست و چون

به قدرت نمایی پرداخت و این برخلاف مصوبات مکتب ارشاد و اصول اساسی و ارزشی سازمان بود، اخراج شد و سپس ابراهیم حسن مسئولیت النظام الخاص را به عهده گرفت که او نیز کنار گذاشته شد. این چند نفر در زمان خود شهید حسن البنا دور هم جمع شدند و خواستند تشکیلات جدیدی به وجود آورند که موفق نشدند و این در کل به مفهوم انشعاب به معنی مصطلح آن نبود. در دوره پس از شهادت حسن البنا و پس از انتخاب شیخ حسن الهضیبی به رهبری جمعیت، باز افراد و شخصیت های دیگری به دلایل گوناگونی از جمعیت جدا یا کنار گذاشته شدند. از جمله آنها شیخ حسن الباقوری بود که عضو مکتب ارشاد و شخصیت برجسته سازمان به حساب می آمد که به علت پذیرفتن پست وزارت اوقاف از طرف عبدالناصر، بدون موافقت حزب کنار گذاشته شد یا مرحوم شیخ محمد الغزالی که خود استعفا داد و آخرین نمونه این جداشدگان هم ایمن الظواهری بود که خواستار مبارزه مسلحانه علیه دولت بود و چون این امر مخالف خط مشی کلی جمعیت بود، با آن موافقت به عمل نیامد و او نیز کنار رفت. این قبیل جدایی ها و کناره گیری ها در طول تاریخ جمعیت هر چند یک بار اتفاق افتاده است که در یک سازمان با دو میلیون عضو امری طبیعی است، ولی هرگز انشعابی در شاخه اصلی سازمان رخ نداده و به وجود نیامده است و روی همین اصل، ناظران سیاسی داخلی و خارجی همواره جمعیت اخوان المسلمین را یکی از نادر تشکیلاتی می دانند که با سازماندهی منسجم و استوار دچار تفرقه و انشعاب نشده و به رغم منحل اعلام شدن توسط فاروق و سپس سرهنگ ناصر، هرگز منحل نشده است. عامل اصلی این انسجام چگونگی شرط عضویت در حزب است که فرد، پس از طی آموزش هایی در مرحله عضویت باید با سوگند به قرآن در راستای وفاداری به اصول اساسی مکتب مراسم شرعی بیعت را انجام دهد و این بیعت آگاهانه و الزام آور از دیدگاه مذهبی از هر گونه تخلف یا جدا شدن و انشعاب در حزب جلوگیری به عمل می آورد.

سالروز ترور دکتر شقافی به هنگام بازگشت از لیبی

طریق مالت انجام می شود. به همین دلیل دو طرح مطرح شد؛ یکی ربودن شقافی هنگام سفرش از مالت به لیبی که به دلیل ترس از تعقیب های بین المللی با مخالفت رابین روبرو شد و دیگری طرح ترور شقافی به هنگام حضورش در مالت.

بر اساس این گزارش، عناصر موساد به مالت رفته و در فرودگاه مالت منتظر شقافی شدند؛ اما شقافی نه در پرواز اول نه دوم و نه سوم حضور نداشت. هنگامی که دیگر موساد نسبت به فرود شقافی در مالت ناامید شده بود، صدای یکی از عوامل موساد از طریق بی سیم به گوش رسید که می گفت "یک لحظه صبر کنید کسی تنها در این جا نشسته است". این عضو موساد به فرد مورد نظر نزدیک شده و شقافی را که از کلاه گیس استفاده کرده بود، شناسایی کرد. شقافی در آن زمان یک ساعت در مالت بود و بعد به لیبی سفر کرد بدون آن که بداند تحت تعقیب است.

در ادامه این گزارش آمده است: ۲۶ اکتبر هنگامی که شقافی پس از مشارکت در نشست لیبی به مالت بازگشت، موساد دریافت که با گذرنامه ای به نام ابراهیم الشاویش به لیبی رفته است که بنا به این نام یافتن او در مالت کار مشکلی نبود. شقافی هنگامی که وارد لیبی شد، اتاقی را برای یک شب در هتلی کرایه کرد و ساعات ۱۱ شب همان روز برای خرید از هتل خارج شد، به مرکز تجاری "مارکس اند اسپانسر" رفته و از آن جا خرید کرد و از آنجا نیز

پس از صدور این دستور از سوی رابین، موساد خود را برای انجام این ترور آماده کرد و از آنجا که شقافی پیش از اجرای عملیات "بیت لید" سالها تحت نظارت موساد بود، توانست پس از صدور حکم رابین به راحتی محل سکونت وی را در دمشق شناسایی کند.

بر اساس این گزارش، اوری ساگی رییس اطلاعاتی نظامی ارتش رژیم صهیونیستی در آن زمان، نسبت به سرانجام این عملیات و امکان بر آشفتن خشم سوریه هشدار داد. به همین دلیل رابین توصیه "ساگی" را پذیرفت و به موساد دستور داد تا طرحی جایگزین را برای ترور شقافی در جایی دیگر غیر از دمشق ارائه دهد.

در این کتاب آمده است: از آنجا که شقافی می دانست تحت تعقیب است، زیاد از دمشق خارج نمی شد، لذا زمانی که در اوایل اکتبر سال ۱۹۹۵ زمانی که از شقافی برای مشارکت در نشست روسای گروه های فلسطینی در لیبی دعوت شد و موساد نیز می دانست به دلیل مشارکت "موسی مراره" از رهبران جنبش فتح در این نشست با توجه به این که او از مخالفان شقافی است امکان مشارکت شقافی در این نشست بیشتر است، تصمیم گرفت طرح ترور وی را در لیبی اجرا کند.

بر اساس این گزارش، مسیر سفر شقافی به لیبی برای موساد معلوم و شناخته شده بود و مشخص بود که این سفر مثل سفرهای قبلی از

۴ آبان مصادف بود با شانزدهمین سالگرد شهادت دکتر فتحی شقافی فرمانده و مؤسس جنبش جهاد اسلامی فلسطین که در ۲۶ اکتبر سال ۱۹۹۵ در شهر سلیمان در جزیره مالت در خلال بازگشت از لیبی به دست عوامل و مزدوران موساد ترور شد.

سالگرد شهادت این مبارز فلسطینی مصادف شده است با مراسم جشن آزادی اسرای فلسطینی که یکی از بزرگترین دغدغه های وی در دوران حیاتش محسوب می شد.

این روزها در فلسطین در همایش های مختلفی یاد و خاطره این مبارزه فلسطینی گرامی داشته می شود.

به مناسبت شانزدهمین سالروز شهادت این مبارز فلسطینی که شیوه جهادی خود را به اعتراف خود از انقلاب اسلامی ایران و شخص امام راحل (ره) الگو گرفته بود روایت تلخ ترور این بزرگوار به شرح زیر نقل می شود.

روزنامه عبری یدیعوت آحارونوت بخشی از کتاب نقطه ی بی بازگشت نوشته رونین برگمن که داستان موساد را در خصوص جزئیات ترور فتحی شقافی بیان کرده، منتشر کرد.

در این کتاب آمده است: اسحاق رابین نخست وزیر وقت اسرائیل، در ماه ژانویه دستور ترور شقافی را در پی عملیات "بیت لید" جنبش جهاد اسلامی فلسطین که به کشته شدن ۲۲ اسرائیلی و زخمی شدن ۱۰۸ تن دیگر منجر شد صادر کرد و

معرفی کتاب

جهاد اسلامی؛ امام خمینی، شیعه و سنی، مسئله فلسطین

نویسنده: شهید دکتر فتحی شقافی
ناشر: انتشارات اطلاعات
ترجمه: استاد سید هادی خسرو شاهی
این کتاب را می توان در قم از فروشگاه کلبه شروق واقع در ابتدای صفایه و در تهران از انتشارات اطلاعات واقع در جنوب دانشگاه تهران و فروشگاه نشر معارف واقع در چهارراه کالج تهیه کرد.
برای خرید اینترنتی نیز می توانید به سایت www.shorooq.ketabeparsi.com مراجعه کنید.

نظام سلطنتی عربستان مرکز بزرگترین

منافقان جهان است

اتهام زنی آمریکا به ایران مبنی بر تلاش برای ترور سفیر سعودی مضحک است و همراهی عربستان با ایالات متحده به دلیل نفاق خاندان سلطنتی عربستان است.

بیداری مردم جهان در قبال سطله سرمایه داری و صهیونیسم جهانی در خاورمیانه، شمال آفریقا، اروپا و اینک آمریکا و کانادا شوک تازه‌ای به تاریخ وارد کرده است. این اتفاق در حالی اتفاق افتاده است که محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در حال افزایش است. گرایش هر چه بیشتر مردم جهان به آرمان های عدالت خواهانه و ایران به عنوان پرچمدار این جریان به شدت مسوولان غربی را نگران کرده است.

دولت اوباما در ادعای اخیر خود بار دیگر در یک سناریوی نخ نما جمهوری اسلامی ایران را به انجام عملیات تروریستی آن هم در خاک آمریکا متهم کرد. هر چند این ادعاهای بی اساس در دوران بعد از انقلاب بارها از سوی مقامات این کشور بیان شده، اما اظهار چنین ادعاهای پوچی در این برهه زمانی جای بسی تامل دارد.

ایرنا برای بررسی بیشتر ابعاد این مساله به گفتگو با دکتر کوبین برت، تحلیل گر سیاسی و مسلمان آمریکایی پرداخته است.

ایرنا: در حالی که ها آمریکایی ها هیچگونه اسناد حقوقی ارایه نکرده اند، هدفشان از طرح این مساله و در این برهه زمانی چیست؟

کوبین برت: این عادت و سیاست آمریکا است که علیه مسلمانان اتهاماتی ظالمانه می زند بدون اینکه کوچکترین شواهدی دال بر مدعای خود ارایه کند.

ایرنا: به نظر شما چرا آمریکا عربستان را برای استفاده ابزاری در راستای تحقق هدف خود انتخاب کرده است؟

کوبین برت: دولت آمریکا تحت سلطه افراط گرایان صهیونیستی است که از زمان کودتای نافرجام ۱۱ سپتامبر در تلاش برای اختلاف افکنی میان فرق مسلمان از جمله سنی و شیعه است. استراتژی تقسیم و تسخیر امر همیشگی امپریالیسم است.

ایرنا: با توجه به روند صعودی انزوای اسرائیل و انقلاب های عربی و اعتراضات فراگیر در آمریکا، این اتهام به نوعی فرافکنی است. نظر شما چیست؟

کوبین برت: بله، من هم فکر می کنم این اقدام تلاشی جهت انحراف اذهان عمومی از قیام اسلامی مردم جهان عرب، اروپا و ایالات متحده آمریکا است.

ایرنا: آیا به لحاظ عملیاتی، انجام چنین کاری با توجه به سیستم قوی امنیتی آمریکا ممکن است؟

کوبین برت: این ایده که مقامات ارشد ایرانی چنین عملیاتی در ایالات متحده آمریکا را طراحی کرده اند، کاملاً مضحک است. از این عمل چیزی عاید مقامات ایرانی نمی شود. اما در طرف دیگر ماجرا صهیونیست ها از تحریک کردن شیعه و سنی علیه یکدیگر کاملاً سود می برند.

ایرنا: مقامات آمریکایی گفته اند ما ایران را منزوی خواهیم کرد به نظر شما این اظهار نظر نشان از محبوبیت روز افزون ایران و نگرانی مقامات آمریکا از این اتفاق نیست؟

کوبین برت: آنها سال های متمادی است که ایران را تهدید می کنند که بعید می دانم موفق شوند.

ایرنا: همکاری عربستان با آمریکا در طراحی این سناریو چه تبعاتی برای این کشور به همراه دارد؟

کوبین برت: در درون سلطنت عربستان سعودی بزرگترین منافقان جهان وجود دارند. این افراد به قدری ریاکار هستند که کلمه 'منافق' برای توصیف ایشان کافی نیست. بدیهی است که قیام هایی به سبک مصری در عربستان سعودی سرآمده است. تحقق چنین امری به نشانه ی مرگ ناقوس کنترل صهیونیست ها و آمریکا بر خاورمیانه است.

ایرنا: در صورت اثبات نشدن این اتهام واهی، آمریکا با چه چالش هایی مواجه می شود؟

کوبین برت: اگر آمریکا نتواند این اتهام را اثبات کند، این مساله شکست دیگری برای نومحافظه کاران صهیونیستی خواهد بود که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر سیاست خارجی آمریکا مسلط شده اند.

حمایت سیاستمدار مصری از شیعیان بحرین

درحالیکه خودمان را اهل سنت می نامیم و آنها را کافر بدانیم. العوا تاکید کرد: آنها پیروان اهل بیت (ع) هستند.

سلیم العوا با انتقاد از اقدامات رژیم آل خلیفه علیه شیعیان بحرین، اظهار داشت: شیعیان در بحرین بیش از نیمی از مردم این کشور را تشکیل می دهند، و حق دارند که انقلاب کنند.

ادعای دروغ آل خلیفه درباره ایران و طایفه گری

شیخ علی سلمان اظهار داشت: به انقلاب خود دمکراسی است. شیخ علی سلمان خاطر نشان کرد: این روند تکراری در کشور ادامه نخواهد داشت. دبیرکل جمعیت وفاق ملی اسلامی بحرین اظهار داشت: بحرانی سیاسی در کشور وجود دارد که منشأ آن مخالفت مردم با دیکتاتوری و استبداد است.

وی با بیان اینکه در انقلابهای عربی اقشار مختلف مردم حضور دارند، تاکید کرد: دلایل مختلفی موجب بروز بهار عربی شد، ولی مهمتر از همه آنها، وجود نظام های استبدادی است که نتوانستند در کشور توسعه ایجاد کنند؛ و همچنین نتوانستند فلسطین را آزاد سازند و برای امت عربی عزت و کرامت ایجاد کنند.

دبیرکل جمعیت وفاق ملی اسلامی بحرین ادعاهای رژیم آل خلیفه مبنی بر دخالت ایران، طایفه گری و مسالمت آمیز نبودن فعالیت های مردم را دروغهای آل خلیفه برای سرپوش گذاشتن بر شکست این رژیم دانست.

به گزارش شبکه العالم، شیخ علی سلمان در همایشی که تحت عنوان 'بهار عربی' در منطقه الحجر برگزار شد، تاکید کرد: رژیم آل خلیفه برای سرپوش گذاشتن بر شکست خود به سه دروغ ایران، طایفه گری و مسالمت آمیز نبودن روی آورده؛ ولی همه مردم دنیا می دانند که این رژیم دروغ می گوید.

وی افزود: حقیقت برای همه دنیا آشکار شد، در بحرین جنگ بین دیکتاتوری و

دبیرکل جمعیت وفاق ملی اسلامی بحرین ادعاهای رژیم آل خلیفه مبنی بر دخالت ایران، طایفه گری و مسالمت آمیز نبودن فعالیت های مردم را دروغهای آل خلیفه برای سرپوش گذاشتن بر شکست این رژیم دانست.

به گزارش شبکه العالم، شیخ علی سلمان در همایشی که تحت عنوان 'بهار عربی' در منطقه الحجر برگزار شد، تاکید کرد: رژیم آل خلیفه برای سرپوش گذاشتن بر شکست خود به سه دروغ ایران، طایفه گری و مسالمت آمیز نبودن روی آورده؛ ولی همه مردم دنیا می دانند که این رژیم دروغ می گوید.

وی افزود: حقیقت برای همه دنیا آشکار شد، در بحرین جنگ بین دیکتاتوری و

فدائیان صدام هم به اردوی آل سعود پیوستند

تکمیل پازل نسل کشی در بحرین

تانک ها و خودروه های ضد زرهی در محاصره قرار گرفته است و نیروهای سعودی به همراه فدائیان صدام اقدام به تفتیش خانه به خانه بحرینی ها کرده اند و در حال دستگیری و بازداشت رهبران جوان انتفاضه مردمی هستند. خبرگزاری النخیل اسنادی را که از طریق شبکه بحرینی الستره بدست آورده است، منتشر کرد که نشان می دهد رژیم بحرین از فدائیان صدام برای سرکوب انتفاضه مردمی استفاده کرده است و در این اسناد اسامی این فدائیان هم ذکر شده است.

نیروهای سعودی تحت عنوان نیروهای سپر جزیره از آغاز انقلاب مردمی بحرین وارد این کشور شدند و به سرکوب وحشیانه این نیروها پرداختند. این درحالی است که سپر جزیره با این هدف تشکیل شده است که در صورت تهدیدهای خارجی به کشورهای حاشیه خلیج فارس وارد عمل شود نه این که در امور داخلی این کشورها دخالت کنند.

بر اساس این گزارش، این گروه از فدائیان صدام معدوم در بحرین با پوششی مشککی و نقابی بر چهره در دستشان شمشیر دارند که یادآور مجموعه‌ای به نام 'السیافه' در عراق هستند که در دوره دیکتاتوری صدام تحت فرماندهی 'عدی' پسر او اقدام به پاکسازی دشمنان و مخالفان رژیم وقت می کردند.

رهبران معارض در بحرین هیچ اشاره‌ای به تعداد این افراد که در کنار نظامیان سعودی، انتفاضه مردمی در این کشور را سرکوب می کنند، نکردند و تنها اعلام کردند که با هر تیم تفتیش سعودی که به منازل شهروندان بحرینی حمله می کنند، تعدادی از این لباس مشککی ها حضور دارند.

بر اساس این گزارش، بحرین این روزها شاهد دستگیری گسترده رهبران انقلابی است به طوری که در پی برقراری حکومت نظامی از دیروز در منامه، تقریباً میدان 'الولوه' از معترضان خالی شده است و این میدان با

یک خبرگزاری عراقی از حضور بازمانده‌های فدائیان صدام و حزب منجمله بعث عراق در کنار نظامیان سعودی برای سرکوب و دستگیری رهبران انقلاب بحرین خبر داد.

به گزارش پایگاه خبری 'النخیل'، منابع آگاه سیاسی عراق تاکید کردند که رهبران معارض در بحرین در تماس تلفنی از منامه به آنها اعلام کردند که برخی از بازمانده‌های فدائیان صدام و بعثی های عراق با نیروهای سعودی برای سرکوب انتفاضه مردمی بحرین همکاری می کنند.

بر اساس این گزارش، رهبران معارض بحرینی افزودند: همراه نظامیان سعودی در بحرین افرادی با لباس مشککی و نقاب بر چهره که به لهجه عراقی با یکدیگر صحبت می کنند، هستند که گفته می شود، از فدائیان صدام معدوم هستند. این افراد با نظامیان سعودی به منازل مردم حمله می کنند و صاحبان آنها را مورد بازرسی و بازرسی قرار می دهند.

نقش منامه در مهاجرت اسرائیلی ها به سرزمین های اشغالی

افشای خیانت رژیم بحرین به ملت فلسطین

این فعال سیاسی با بیان اینکه موفقیت انقلاب مصر بر روابط بحرین و رژیم اسرائیل تاثیر گذاشته است؛ خاطر نشان کرد: ضعف رژیم سعودی در ایفای نقشی جایگزین به جای مصر باعث تقویت روابط رژیم اسرائیل و حکومت بحرین شده است.

المحروس درباره انتخابات میان دوره ای در بحرین گفت: این انتخابات یک نقطه جداکننده و عرصه ای برای کشمکش میان رویکرد مردمی و رژیم حاکم است.

وی تصریح کرد: شاه بحرین خواهان ادامه حکومت است در صورتی که خواسته مردم این نیست و آن ها تغییر کامل رژیم بحرین را خواستارند و برگزاری تظاهرات و تجمع ها دلیلی برصحت این گفته است.

اسرائیل گفت: این ارتباط نازکی ندارد و حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین آشکارا به این مساله اعتراف کرده است.

المحروس گفت: دفاع وزیر امور خارجه بحرین از رژیم صهیونیستی در قضیه یورش اخیر مردم مصر به سفارت اسرائیل در قاهره در همین راستا صورت گرفته و مساله تازه ای نیست.

وی افزود: این ارتباط از مدت ها پیش میان رژیم اسرائیل و دولت بحرین وجود دارد و به دهه هفتاد قرن گذشته باز می گردد.

المحروس اظهار داشت: وزیر امور خارجه بحرین نیز بر این اعتقاد است که رژیم صهیونیستی دشمن کشورهای عربی نیست و شاه بحرین نیز خواهان عادی سازی روابط میان این کشور با رژیم اسرائیل بوده است.

یک فعال سیاسی بحرینی از همکاری رژیم بحرین با رژیم صهیونیستی در زمینه مهاجرت اسرائیلی ها از نقاط مختلف جهان به فلسطین اشغالی پرده برداشت و گفت: فرودگاه بحرین نقش بسزایی در زمینه عزیمت اسرائیلی ها به فلسطین اشغالی داشته است.

'کریم المحروس'، تصریح کرد: فرودگاه بحرین همواره به طور معمول پذیرای اسرائیلی ها بوده و شواهد و تصاویری در این باره وجود دارد که بحرین پذیرای مهاجران اسرائیلی است که عازم فلسطین اشغالی بودند و نیز اسناد جدید ویکیلیکس از وجود ارتباط میان رژیم صهیونیستی و مسوولان بحرینی پرده برداشته است.

این فعال سیاسی بحرینی با اشاره به وجود ارتباط میان دولت بحرین با رژیم

در گفت و گو با استاد بهاء الدین خرمشاهی مطرح شد:

زمینه و زمانه دایرة المعارف تشیع

ما مشکل پیش آمد و جانشین برای ایشان آمدند که جناب استاد سید احمد صدر آقا سیدجوادی هستند، که هنوز هم در قید حیات هستند و سرپرست کل این دایرة المعارف از همان جلد اول تا به امروز که اواخر تیز ۱۳۹۰ هست ایشان ما را یاری می فرمایند. پیوستن جناب سید جوادی خیلی مشکل گشا بود و کار به خوبی پیش رفت و اگر مولفی به رحمت خدا می پیوست یا می رفت با جاهای دیگر همکاری کند... ما به همین ترتیب پیش می رفتیم، در سال ۶۶ ما توانستیم بعد از ۴ سال کار نخستین جلدمان را منتشر کنیم و وقتی که ما جلد اول را منتشر کردیم چنانچه روی جلد اول نوشته آب تا احیا بنیاد خیریه و فرهنگی شط به ما کمک کرد چون بنیاد اسلامی طاهر با مسائلی که پیش آمد دیگر نتوانست ادامه دهد و پشتیبانی اش را از دست دادیم و داشتیم تعطیل می شدیم تا اینکه یک بار آقای فانی با سیدمحمد مهدی جعفری گفته بودند که با بنیاد خیریه شط من صحبت می کنم. مدیر این بنیاد خیریه خانمی بودند به نام فهیمه محبی که تشریف آوردند و به ما کمک کردند. این خانم که در زمستان ۸۵ به رحمت خدا رفتند باز برای ما مشکل ایجاد شد. این بزرگ بانو حتی خانه ملکی خودشان را فروختند و صرف این دانشنامه کردند. این گفتنش آسونه ولی چه کسی تا به حال این کار را کرده است؟ حتی ایشان زمان مرگش هم ۵۰ میلیون بدهی داشتند.

ایشان فقط مدیریت می کردند و در مسائل علمی دخالت نمی کردند و ۱۳ جلد با مدیریت ایشان و سرپرستی علمی استاد سید جوادی و دستیاری کامران فانی و بنده منتشر شد. جناب... هم بعد از ۶۵ سال و کارهای فراوانی که داشتند نتوانستند به کار ادامه دهند و من به نیکی از ایشان یاد می کنم و اصلا ایشان بودند که پیشنهاددهنده نخستین بودند و ایشان ما را دعوت به کار کردند. بعد از سال ۸۸ ما ۶ ماه در حال تعطیل بودیم. یک آپارتمان کوچک هم که کل سازمان تشیع بود در خیابان فلسطین تقاطع انقلاب ساختمان مهر. باز هم این بار آقای کامران فانی با دکتر حسین غفاری استاد فلسفه دانشگاه تهران و مدیر انتشارات حکمت صحبت کردند و ایشان گفته بودند که ما می توانیم ولی آیا می توانیم امتیاز این دایر المعارف را بگیریم؟ گفتیم بله حدود ۵ میلیون بدهی دارد این دایر المعارف و الان جلد ۱۴ در حال آماده شدن است. دو جلسه مذاکره کردیم و همه چیز به خوبی پیش رفت و جای خانم محبی خالی بود که توانسته بودند با مدیریت عالی ۱۳ جلد را منتشر کنند. انتشارات حکمت که پذیرفت خود دکتر غفاری فقط یک نظارت دورادور داشت و ما سازمان را حفظ کردیم و جوانترها را وارد سازمان کردیم و در طول تاریخ کار ما حدود ۱۰ نفر از پیشکسوتان این دایر المعارف فوت کرده اند. کمتر از یک سال است که ما در طبقه دوم انتشارات حکمت مستقر شده ایم و ما هر روز از ۴ بعد از ظهر تا ۹ شب به دایر المعارف می رفتیم بعدش دوشنبه ها هفتگی و بعدش نخستین دوشنبه هر ماه که علما می آیند و کارها را انجام می دهیم.

در این فاصله یک ساله انتشارات حکمت با همکاری خوب دکتر امیر مازیار معاون علمی انتشارات توانسته ایم یک جلد دیگر هم که همان جلد چهاردهم باشد منتشر کنیم و رسیدیم به آغاز حرف میم. اکنون داریم مقالات زیادی جمع

سرگذشت پر فراز و نشیب یکی از مرجع های دینی امروز را که دایر المعارف تشیع نام دارد بیان می کنم. اگرچه در طول تاریخ ۲۸ ساله این سازمان و این کتاب مرجع چند بار پیش آمده است که با رسانه ها گفت و گو کرده ایم ولی شاید بتوانم این بار اطلاعات تازه ای هم بدهم و تمام فراز و نشیب ها و نقاط برجسته را بگویم. در سال ۱۳۶۲ بنیاد اسلامی طاهر که زیر نظر مرحوم ابوالفضل تولیت که آخرین متولی آستانه حضرت معصومه در قم بودند پیشنهاد شد به بنده و سرورانه کامرانی فانی و منوچهر صدوقی که آنها را می شناسید. ما مذاکره کردیم که چه مرجعی در بیاوریم. دیدیم که مردم تشنه اطلاعات راجع به گذشته اسلام و تشیع هستند. اول فکر کردیم دایر المعارف اسلام را در بیاوریم ولی گفتیم که ما این دایر المعارف را داریم بعد دیدیم که تشیع مظلوم واقع شده و بدین ترتیب موافقت شد که دایر المعارف تشیع باشد. تشیع بیشتر فرهنگ را نشان می دهد ولی شیعه انسان ها را نشان می دهد. باری این اسم تصویب شد و از جناب دکتر مهدی محقق دعوت کردیم که سرپرستی این کار را عهده دار شود. ایشان هم بتازگی از دانشگاه تهران بازنشسته شده بودند و فراغت داشتند و با روی باز پذیرفتند. نخستین گام ما این بود که یک طرح تدوین و منتشر کنیم که منتشر هم کردیم. اسمش طرح تدوین دایر المعارف تشیع و فهرست عنوان های مقالات زیر نظر دکتر مهدی محقق است. این کتابچه ای است که مقدمه مفصل فارسی و یک مقدمه کوتاه انگلیسی دارد و نزدیک ۲۰۰ صفحه است. در دو ستون عنوان مقالات آمده است. طرح دایر المعارف جوری بود که ما پیش بینی کرده بودیم در کمتر از یک نسل که مورخان ۳۰ سال می شمردند ما بتوانیم این را به پایان برسانیم.

مولفان اصلی دایر المعارف: دکتر پرویز اسقایی، دکتر مرتضی اسدی، حسن انوشه، دکتر شهرام پازوکی، حجت الاسلام سیدمهدی حائری قزوینی، سیدمحمد حسینی، دکتر اصغر جاوده، مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، مرحوم محمدحسین روحانی، مرحوم دکتر عباس زریاب خویی، استاد عبدالحسین شهیدی صالحی، دکتر حسین قریشان لو، مرحوم دکتر حسین کریمی، مرحوم دکتر محمدحسین شامخ فریمانی، حجت الاسلام محمدصادق نصیری و دکتر پرویز ورجاوند. مولفان ما بیش از اینها بودند. مولفان اصلی اینها بودند، مولفان جوان تر هم در ویرایش مقالات کمک می کردند. نخستین اتفاق این بود که آقای دکتر مهدی محقق رفتند برای تاسیس یک دانشنامه اسلامی به نام جهان اسلام و بعد چندین سرپرست دعوت کردند. ما مولفان را رشته ای و تخصصی انتخاب کرده بودیم مثلا یک نفر مقالات قرآنی می نوشت یک نفر هنر شیعه و ایرانی را می نوشت و به همین ترتیب. یعنی ما حدود ۲۰-۲۵ رشته را تفکیک کرده بودیم و همین تعداد هم مولف داشتیم و همه چیز به خوبی پیش می رفت و برای اینکه یک تنوعی باشد بگویم که ما کلمه ای ۵ ریال می دادیم و اکنون در دایر المعارف بزرگ اسلام زیر نظر کاظم بجنوردی کلمه ای ۲۴۰ تومان می پردازیم. در زمانی مدیرهای آنجا می گفتند که ما فقط خرج ایاب و ذهاب درمی آوریم. باری وقتی دکتر محقق رفتند برای

می کنیم برای حرف میم چون حرف میم خیلی زیاد است و خودش به تنهایی یک جلد می شود. اکنون رونق گذشته بازآمده و حدود ۳ نفر مولف جدید و جوان هم وارد سازمان کرده ایم. وقتی میم را در جلد پانزدهم منتشر کنیم می ماند ن و ه یعنی ۴ حرف کم مقاله که احتمالا در ۱۶ یا ۱۷ جلد تمام می شود. پس تا پایان امسال حرف میم درمی آید. تا پایان ۹۱ دو حرف دیگر و پایان ۹۲ دو حرف آخر. ولی این پایان کار ما نیست بلکه باید برگردیم و مقالات را روزآمد و اصلاح کنیم. بر کار ما نقدها نوشته اند. علمی ترین نقد را استاد دکتر یارشاطر که سرپرست دانشنامه ایرانیکا که به انگلیسی در امریکا منتشر می کنند هستند نوشته اند.

این سیری کلی بود از تاریخ دایر المعارف و مولفان آن. هر جلد حدودا ۲۰۰۰ مقاله دارد. یعنی مقالات بلند است ولی به طور کلی در دو صفحه روبروی هم ۴ الی ۵ مقاله است.

از بعد محتوایی مقالات

یک پیشگفتار مفصل نوشته ایم. در آنجا دایر المعارف های بزرگی که یا اسلامی بوده یا شیعه ما به آن اشاره کردیم مثل دایر المعارف اسلامی ایران و معارف شیعه امامیه اثنی عشریه که یک یا دو جلد بیشتر منتشر نشده و ادامه نیافته، دایر المعارف علمی که در ۳۰ جلد منتشر شده به زبان عربی، دایر المعارف الاسلامیه الشیعیه که جدی ترین دایر المعارف تشیع است که زیر نظر استاد حسن الامین نوشته شده، دایر المعارف اسلام، دانشنامه ایران و اسلام، لغتنامه دهخدا، دایر المعارف فارسی غلامحسین مصائب، نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که مقالات دایر المعارف تشیع عینی و مستقل از عقیده شخصی است. یدالله سبحانی یک روزی به مقاله آدم انتقاد کرد و ما در مقاله آدم هم نظر علامه مجلسی را آوردیم و هم ایشان را. مثلا من عقیده شخصی خودم را درباره حافظ نمی نویسم. بلکه عقیده ای که از منابع برمی آید را می نویسم. چیزی را که سنت ما گفته می نویسم. مثلا بنده دلایل شیعی بودن و دلایل سنی بودن حافظ را در ترازو گذاشته ام و در نهایت ثابت کرده ام که حافظ با همه گرایش های شیعی، اهل سنت است یعنی اشعری شافعی است، اشعری در علم کلام و اعتقادات و شافعی در فقه و فروع احکام. بعد از آن ما محتوا را گفته ایم اطلاعات فقهی، کلامی، ادعیه و... ادبا و ادبیات فارسی، معرفی اماکن جغرافیایی، شرح حال و زندگینامه، اصطلاحات منطقی، فلسفی، عرفانی و هنر و باستان شناسی و اماکن باستانی، کتاب های نویسندگان و شیعه و... که در هیچ جا پیدا نمی شود.

ما این مقالات را از منظر شیعی نوشته ایم ولی به شیوه ای انسانی مثلا مقاله ما درباره ابوبکر باعث شد بعضی ها اشک شوق بریزند. همین مقاله در قم در میان عده ای از آیات عظام مورد بحث قرار گرفته بود. ما فقط یک اشتباه کردیم و آن این بود که ما مقاله اهل حق را به کسی دادیم بنویسد که خودش اشعری از اهل حق بود و منتقد اهل حق بود و به آنها شیطان پرستی، خوردن محرقات و... نسبت می داد. که باعث شد عده ای شکایت کنند. ما از آنها دعوت کردیم و گفتیم شما یک مقاله بی طرفانه درباره اهل حق بنویسند تا چاپ کنیم. در نخستین جلد بعد از آن ما این مقاله را چاپ کردیم و به انتقاد آنها را به طور علمی پاسخ گفتیم.

منبع: اعتماد - علی آهنی

واکنش حضرت آیت الله

مکارم شیرازی به مطرح شدن

عاشورای شمسی

حضرت آیت الله مکارم شیرازی، در ابتدای درس خارج خود در مسجد اعظم با اشاره به طرح مباحثی پیرامون عاشورا، گفت: اخیرا برخی ها نغمه ای ساز کرده اند و گفته اند که ما می خواهیم عاشورای شمسی بگیریم، بر اساس حساب هایی که خود از طریق کامپیوتر و... کرده اند، استفتائات زیادی از ما شده که ما هم پاسخ آنها را داده ایم. معظم له با بیان این که برپایی مراسم عزاداری و حفظ شاعر حسین در هر شرایطی کار باارزشی است، اظهار داشتند: این افراد از روی عشق به سالار شهیدان به این فکر افتاده اند که در ماه های شمسی عاشورا بگیرند، اما یقینا این به مصلحت نیست؛ چرا که تمامی امامان معصوم (ع) عاشورا را در ماه قمری بیان کرده اند و این روز را عزاداری می کردند و ثابا این مسائل از ابهت و شور عاشورا می کاهد.

معظم له تصریح کردند: مطرح کردن عاشورای شمسی اصلا به مصلحت حکومت اسلامی نیست و باید از آن خودداری کرد؛ چه بسا فردا هم بخواهند عید غدیر، تولد امام حسین (ع)، میلاد امام زمان (عج) و ماه رمضان را به تاریخ شمسی بگیرند! این کارها صحیح و به صلاح نیست. ما می گویم که اینها عاشق امام حسین (ع) هستند، اما باید راه صحیح را طی کنند.

حجت الاسلام والمسلمین بهشتی:

تفکیک جنیستی در دانشگاه آثار

مثبت فراوانی به دنبال دارد



نماینده استان فارس در مجلس خبرگان رهبری، طرح تفکیک جنیستی در دانشگاه های کشور را دارای تبعات و آثار فراوان ارزیابی کرد و گفت: خوشبختانه در حال حاضر اراده بر این کار وجود دارد.

به گزارش رسا، حجت الاسلام والمسلمین احمد بهشتی در دیدار اعضای هیات ریسه دانشگاه قم با آیت الله نوری همدانی از خدمات و تلاش های آیت الله قاضی ریسه فقید دانشگاه قم تجلیل کرد. وی ابراز داشت: آیت الله مرحوم قاضی با تلاش ها و پیگیری هایی که داشتند منشا اقدامات و فعالیت های بسیار خوبی بودند و ما یاد و خاطره ایشان را گرامی می داریم و خدمات ایشان را ارج می نهیم. وی در ادامه گزارشی از وضعیت دانشگاه قم ارائه کرد و گفت: دانشگاه قم با شش دانشکده و یک مرکز آموزش الکترونیک روبه رشد و توسعه بوده و همواره این مسیر را به خوبی طی کرده است.

حجت الاسلام والمسلمین بهشتی بیان کرد: از جمله خصوصیات دانشگاه قم این بوده که از ابتدای تاسیس بر مبنای تفکیک جنیستی پیش رفته و تمام کلاس ها کاملا جدا از هم است.

ریس دانشگاه قم تاکید کرد: با برنامه هایی که در دست اجرا و برنامه ریزی است، واحد خواهران دانشگاه قم به صورت پردیس اداره خواهد شد و با این تدبیر کمبودها نیز مرتفع می شود. وی اضافه کرد: امیدواریم دانشگاه قم مسیر خود را به سمت تفکیک بدون تبعیض طی کند و در کشور به عنوان الگوی تفکیک مطرح شود. این نماینده مجلس خبرگان رهبری، طرح تفکیک جنیستی در دانشگاه های کشور را دارای آثار و تبعات فراوان ارزیابی کرد و گفت: در حال حاضر اراده برای تفکیک جنیستی در دانشگاه ها وجود دارد که امیدواریم روز به روز تقویت شود.

نگاهی به ترجمه قرآن مجید به زبان های اروپایی

مترجمان مغرض

ترجمه های قرآن به زبان های اروپایی اگرچه در ابتدا با اهدافی همچون خصومت های دینی و با نگاهی به نقد محتوایی انجام شده است اما نگاه فطری قرآن به انسان، این گام های نخستین را به مقدمه ای برای آشنایی اروپاییان با قرآن کریم تبدیل کرده است.

ترجمه کامل قرآن مجید به زبان های اروپایی به قرن یازدهم میلادی بازمی گردد. این ترجمه به زبان لاتین و با هدف اسلام ستیزی و به سرمایه گذاری مسیحیت صورت گرفته است. این ترجمه نخستین، توسط محققى به نام رابرت کتن (Robert of ketton) در سال ۱۱۴۳ میلادی، در پی فرمان و با هزینه یک کشیش عالی رتبه فرانسوی، معروف به پیر از کلیسای کلونی در شرق فرانسه (prience of the couny monastery) تحقق یافت. همان گونه که رابرت پیش بینی کرده بود، متأسفانه ترجمه ناقص و سخیف او پایه و اساسی شد برای ترجمه های بعدی قرآن به زبان های دیگر. به طور مثال اولین ترجمه ایتالیایی قرآن از روی ترجمه رابرت صورت گرفت که توسط آندره آریو بینی منتشر شد. این ترجمه ایتالیایی مبنای اولین ترجمه به زبان آلمانی توسط سالمن شویگر (solmonscheigger) که مبلغی در نورنبرگ بود، قرار گرفت. ترجمه آلمانی سپس مبنای اولین ترجمه هلندی در سال ۱۶۸۱ شد؛ بدون اینکه ذکری از نام مترجم به میان آید بنابراین مشاهده می شود که یک ترجمه متعصبانه که در پی اغراض پدران کلیسا در ستیز با اسلام صورت پذیرفته بود، مبنای سه ترجمه دیگر قرار گرفت.

این وضعیت ترجمه های اروپایی قرآن از قرن یازده تا هجده بود. در سال ۱۷۲۱، ترجمه ثانی قرآن به زبان لاتین توسط لودیوکیو ماراچی (Ludovico Marrachi) صورت پذیرفت که این نیز با هدف ابطال و رد اسلام انجام گرفت. این ترجمه از ترجمه پیشین بسیار خصمانه تر و موضع گیری های آن نسبت به اسلام، بسیار نفرت انگیز تر بود.

در قرن بیستم، خود مسلمانان وظیفه ترجمه قرآن را به دوش گرفتند. این جریان روز به روز قوت بیشتری یافته است ولی هنوز در ابتدای مسیر قرار دارد. تاریخچه ترجمه قرآن مجید به زبان های اروپایی را می توان به سه دوره تقسیم نمود:

- ۱- قرون وسطی تا دوره رنسانس؛ عمدتاً با نیت های خصمانه، توسط متولیان کلیسا.
- ۲- اوایل قرن نوزدهم؛ در پی شکل گیری و قوت یافتن علوم اجتماعی و مطالعات شرق شناسی؛ توسط شرق شناسان غیر مسلمان.
- ۳- عصر حاضر؛ در پی آگاهی مسلمین و نیز برخورداری از امکانات اطلاع رسانی پیشرفته؛ توسط خود مسلمانان. در ادامه بحث ابتدا به معرفی و توضیح در مورد مطرح ترین مترجمان غیر مسلمان و سپس مترجمان مسلمان خواهیم پرداخت یکی از مطرح ترین مترجمان غیر مسلمان قرآن الکساندر راس (Ross Alexander) می باشد. عنوان ترجمه او که اولین بار در سال ۱۶۴۹ به چاپ رسید، عبارت است از قرآن محمد ترجمه شده از عربی به فرانسه. این ترجمه به تازگی به انگلیسی برگردانده شده است.

اما در مورد کیفیت خود ترجمه، به همین توضیح زومر Zwemer بسنده می کنیم که گفته است: راس با عربی بسیار نا آشنا و یک محقق غیر آگاه فرانسوی بود، بنابراین ترجمه اش آکنده از خطاست.

یکی دیگر از ترجمه های قرآن که در غرب رواج بسیار یافته است، ترجمه ای است به زبان انگلیسی توسط جورج سیل George Sale با عنوان قرآن ترجمه شده به زبان انگلیسی مستقیماً از زبان عربی. البته قابل ذکر است که این ترجمه نیز با نام قرآن محمد شهرت یافته و در سال ۱۷۳۴ در لندن به چاپ رسیده است. آخرین چاپ این ترجمه در سال ۱۹۷۵ بود. جورج سیل برای ترجمه اش مقدمه مفصلی - بالغ بر دو بیست صفحه - نوشته و در آن به بررسی نکات متعددی از قبیل جغرافیای جزیره العرب، عربستان قبل از اسلام، ادیان و باورهای مردم در دوران پیش از ظهور اسلام، شخصیت

نظرها و اندیشه ها

ضرورت نظارت بر کتب ادعیه

غیر کارشناس کاری بس دشوار است.

در میان این کتب، کتاب هایی هستند که باید به صحت مطالب آن کمی بیشتر دقت کرد به طور مثال کتاب هایی وجود دارند که در کنار متن آن شکل و رسم هایی کشیده شده که هر یک کارایی خاصی دارند و نویسنده گمنام آن معتقد است همراه داشتن این نوشته ها، عکس ها و رسم ها باعث برکت، پیشرفت، مهم جلوه کردن، قدرت پیدا کردن و... شخص می شود.

حجت الاسلام عبدالحمید صالح پرور در این خصوص گفت: نمی توان به سادگی منکر اصل دعا بود اما به دلیل عدم حضور معصومین و پیامبران و احادیث نقل شده از آنان کم کم دچار اشکالات شده و متأسفانه نبودن نظارت عالمانه در خصوص علوم دینی کم کم این کتب به چاپ رسیده و در جامعه امروز برای خود جا باز کرده و ناخودآگاه به سمت خرافات سوق پیدا کرده است. ما نمی خواهیم اصل دعا و راز و نیاز با خداوند را زیر سوال ببریم اما خواندن داعی خاص برای رسیدن به مقصدی خاص به طور حتم باید از سوی شخصی عالم و آشنای کامل با دین خوانده شود تا تبدیل به کاسی از افراد ساده لوح نشود و اصل و اصول دعا را زیر سوال نبرد. برای بیان دعا در موارد خاص شخص باید علم دینی کافی داشته باشد و احکام اسلامی را نیز به جا آورد.

در ادامه بحث با جواد آهنگر کارشناس بررسی چاپ کتب موسسه بوستان قم در مورد نظارت چاپ این کتاب ها به گفت و گو نشستیم. وی گفت: در این انتشارات بررسی دقیق و خاصی بر چاپ این نوع از کتاب ها و مستند بودن مطالب و مفاهیم کتب وجود دارد و حتی در مرکز خرید و فروشگاه انتشارات توجه عمیقی بر این اصل است که از فروش چنین کتبی جلوگیری شود. وی معتقد است که این کتاب ها به دلیل نداشتن نام نویسنده و انتشارات عمدتاً به صورت قاچاق و برگرفته از عرفان شرقی مثل عرفان هندی است. در واقع استفاده از دعا و نقل حدیث از ائمه باید با سند و مدرک محکم و مشخص بیان شود زیرا ادامه آن توسط برخی اشخاص کم کم دچار توهم شده و پس از مدتی فکر و دید این اشخاص به گناه و انحراف کشیده شده به شکلی که در برخی موارد دیده شده که فرد مورد نظر پس از مدتی ادعای امام زمانی و یا پیامبری خدا را می کند و با این افکار کم کم افراد ساده لوح و ساده اندیش را به گناه و بیراهه می کشد.

با نگاهی به صفحات حوادث روزنامه ها خواهید دید که بارها این افراد تمام زندگی مادی و معنوی خود را به حراج گذاشته و در نهایت تنها باد درو کرده اند.

وی در ادامه گفت: اگر ظاهر انسانی دچار تحولات به سمت گناه و تباهی شود به راحتی قابل برگشت است اما وای از آن زمانی که باطن انسانی به گناه کشیده شود و تفکرش دچار بحران و شک شود. برای این شخص دیگر کاری نمی توان کرد.

در آموزه های دینی که از اهل بیت (ع) به ما رسیده است چنین مطالبی که به دعا بیش از تلاوت قرآن بها داده شود وجود ندارد. در واقع انسان عاقل می تواند با خواندن قرآن و تلاوت آن به تمام نیازها و سوالاتش پاسخ دهد و راه واقعی اش را در بین محکم ترین سند موجود در دنیا بیابد.

در انتهای بحث می توان نتیجه گرفت که داشتن ایمان کافی به خداوند و وسیله قراردادن سند معتبری همانند قرآن می تواند کمک کند تا شالوده انسان به گناه و تباهی کشیده نشود و در واقع دعا و اجابت آن وجود دارد اما نه با رمل و سحر و جادو بلکه با خلوص نیت و خواست خداوند.

نویسنده: مونا خوش خو

دعا در جامعه امروز جایگاه خاصی پیدا کرده است و گاهی اوقات شاهد آن هستیم که عنایت به دعا بیش از عنایت به قرآن می شود. اهمیت دعا در بین مسلمانان باعث شده عده ای سودجو از برخی ساده اندیشی های افراد سوء استفاده کنند و در این زمینه کتبی را به چاپ برسانند که نه تنها انسان را به خدا نزدیک نمی کند بلکه به خیالپردازی تکیه دارد و انسان را از خدا دور می کند و به سمت تنهایی سوق می دهد که تنها نتیجه آن به علت عدم نتیجه گیری افسردگی و سرخوردگی است.

در گذشته شیخ عباس قمی از لایه لای کتب حدیثی مجموعه ای کامل و جامعی به نام مفاتیح الجنان (کلیدهای بهشت) ارائه کرد و کم کم این کتاب در کنار قرآن در هر خانه ای جای گرفت و به عنوان منبع ادعیه مستند مورد اقبال مردم قرار گرفت اما حالا اگر سری به کتابفروشی ها بزنیم شاهد آن خواهیم بود که انواع و اقسام این کتاب ها بدون اسم نویسنده و ناشر در بازار موجود است و تعداد زیادی از مردم توجه خاصی به آن دارند.

با بررسی سطحی در این کتاب ها می توان آنها را دسته بندی کرد، تعدادی از این کتاب ها برگرفته از قرآن و با مفهوم راز و نیاز و ارتباط با خداست که در آن بحثی وجود ندارد زیرا قرآن خود سندی محکم و حاضر است و می تواند صحت و سلامت بودن متون این کتاب را به آسانی بررسی و به نتیجه رسید. بخش دیگر این کتب موضوع خاصی از دعا یا یک بخش دعا را بررسی کرده مثل آرامش روح و جسم، برطرف شدن مشکلات خاص و... که این نوع کتاب ها یا فاقد سند هستند و یا به برخی احادیث که سند و مدارکی دال بر صحت آن وجود ندارد ارجاع داده اند و کم کم انسان نیازمند و سراسر مشکل را با ایجاد امید واهی به خرافات کشیده و در آینده ای نه چندان دور به علت توجه بیش از حد به خرافات ناخودآگاه به اباحی گری و گناه و تباهی کشیده می شود.

حجت الاسلام معین شیرازی در این مورد می گوید: عبادت ویژگی های خاصی دارد. دعا باید توفیقی باشد به آن معنا که وقتی مجرمی بازداشت و در توقیف قانون باشد باید همه جور عمل و رفتارش در چارچوب آن قانون باشد و عمل کردن خارج از آن جرم محسوب می شود. دعا نیز این چنین است به طور مثال هیچ گاه انسان نمی تواند نماز صبحش را بیش از ۲ رکعت بخواند و یا سجده و رکوع را در نمازش جابه جا کند، دعا نیز زمان و شکل خاص خود را دارد؛ در هر زمان و به هر شکل که دلمان خواست نمی توانیم دعا بخوانیم.

وی با اشاره به حکایتی از امام صادق (ع) گفت: مردی مومن و خدادوست نزد امام رفت و از او خواست تا داعی به او یاد بدهد تا روزی اش را افزون کند. امام نیز به او گفت صد بار بخوان یا مقلب القلوب. مرد رفت و پس از مدتی نزد امام بازگشت و گفت من بارها این دعا را زمزمه کردم اما تاثیر آن را ندیدم، امام در جواب از او خواست تا متن دعایش را برای او بازگو کند. وی گفت روزی صدفبار می خواندم یا مقلب القلوب و الابصار امام در پاسخ گفت، ای مرد تا همان قسمت دعا برای تو کافی بود و خواندن ادامه دعا مسیرت را تغییر داد.

در اینجا نتیجه می گیریم اول اینکه خواندن دعا زمان و شکل مشخص دارد و دوم اینکه باید از طرف شخصی باشد که به آن علم کامل دارد همانند معصومین (ع) و یا نقل از قرآن باشد تا انسان را به گناه نکشاند. در واقع در بازار کتاب های امروز به علت دسته بندی و موضوعی شدن خرید آن آسان است اما انتخاب بهترین آن کاری بس مشکل است زیرا به جز مسئله جامعیت کتاب ها صحت آن هم مهم است و تشخیص درستی و نادرستی این مطالب توسط یک

سیدعلی اصغر حسینی

تهران امروز

رونمایی «تفسیر بلاغ» اثر ارزشمند آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی



باشند گرچه حوزه علمیه عقیم نیست چرا که اجتهاد اجازه نمی دهد چنین اتفاقی بیافتد.

همچنین در این مراسم حجت الاسلام سید مهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی کشور، از حمایت این سازمان از تولیدات فاخر در حوزه دینی و قرآنی خبر داد.

وی با اشاره به سیاست های سازمان تبلیغات اسلامی در راستای حمایت از تولیدات فرهنگی و دینی گفت: ما این آمادگی را داریم که به هر میزان اثر به صورت فاخر و خوب در عرصه فعالیت های قرآنی تولید شود را حمایت و پشتیبانی کنیم.

حجت الاسلام خاموشی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نیاز کشور به تولیدات و آثار فاخر و با کیفیت، ابراز داشت: ما امروز به تالیفات و تولیدات مناسب و ارزشمند نیاز مبرم داریم.

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی کشور گفت:

برای اینکه بتوانیم به تالیفات خوب و فاخر دست پیدا کنیم باید همت و کار خود را افزایش دهیم و تمام هم و غم خود را در این عرصه متمرکز نماییم.

وی خواستار نقش آفرینی طلاب و روحانیان حوزه در عرصه تالیف و تصنیف کتب مناسب و آثار فاخر شد و افزود: طلاب باید کمی از مشغله های جاری بزنند و بیش از پیش به فکر تحقیق و پژوهش باشند.

آشنایی با آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی

آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی سال ۱۳۰۲ش در زاویه زند - از توابع شهرستان ساوه - به دنیا آمد. وی ۱۸ سالگی جهت تحصیل معارف دینی وارد حوزه مقدس علمیه قم شد. حضور در حلقه درس پرفیض بزرگان و سرآمدان فقاهت و اخلاق به منظور توأمان نمودن علم و عمل و نیز پشتکار و جدیت، ایشان را به درجه اجتهاد نایل ساخت. از جمله اساتید نامدار ایشان در دوره خارج فقه حضرات آیات عظام: بروجردی، حجت کوه کمره ای، امام خمینی، به ویژه سیدمحمد محقق داماد (به مدت پانزده سال) و نیز در دوره سطح حضرات آیات معظم: شهاب الدین مرعشی نجفی، سیدحسین قاضی و علامه سیدمحمد حسین طباطبایی رحمهم الله اجمعین بوده اند.

ایشان در کنار تحقیق و پژوهش، سوابق ممتدی نیز در تدریس حوزه و دانشگاه دارند؛ از جمله: بیش از ۲۰ سال تدریس سطوح عالی حوزه، بیش از ۱۰ سال تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و همچنین استاد راهنمای رساله های متعدد در دوره دکتری در دانشگاه و حوزه.

آیت الله میرمحمدی از سالهای نخستین نهضت امام خمینی (ره) همواره به عنوان یک روحانی با سبیل خروشان ملت همراه بود و همگام با سایر فضلا و روحانیون، با امضای اعلامیه علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از امام (ره)، در پیشبرد انقلاب اسلامی تلاش نموده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به جهت همراهی بانظام با خدمت در مشاغل هم اثرگذار بوده و هستند، از جمله: عضو هیأت عفو حضرت امام (ره) در بدو پیروزی انقلاب، همکاری مؤثر با آیت الله شهید دکتر بهشتی در هیأت تهیه و تدوین لوایح قضایی از جمله لایحه حدود، دیات و قصاص، رئیس شعبه دوم دیوان عالی کشور (قائم مقام ریاست عالی دیوان و مسئول وحدت رویه قضایی)، عضو شورای عالی قضایی (با تأیید مراتب اجتهاد توسط امام راحل و انتخاب قضات دیوان عالی کشور)، رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران (به مدت یازده سال)، مسئول گزینش علمی قضات در حوزه علمیه قم (به مدت بیست سال)، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو مجلس خبرگان رهبری.

خوشبختانه مسئولیتهای متعدد و وقت گیر، ایشان را از انجام وظایف علمی و دینی بازداشت؛ چنان که علاقه و احساس نیاز به رونق تفسیر قرآن کریم در حوزه علمیه که سبب شده بود آیت الله میرمحمدی با همکاری چندتن از دوستان فاضل خود به پایه گذاری مباحث تفسیر در حوزه پردازند، تداوم یافت و بلکه به بار نشست؛ جلسه غنی و مستمری که با حضور بزرگانی از حوزه علمیه قم چون حضرات آیات سیدمهدی روحانی، علی احمدی میانجی، موسوی اردبیلی، آذری قمی، سیداسماعیل موسوی زنجانی، احمد پایانی، حقی و ... تشکیل می شد و امروز با سابقه بیش از ۶۰ سال و حضور اعضای جدید، کهن ترین جلسه مباحثه تفسیر قرآن کریم در حوزه علمیه قم محسوب می گردد. ایشان از دیرباز در جلسه بحث وزین روزانه فقهی با حضور حضرات آیات معظم شبیری زنجانی، روحانی، احمدی میانجی، احمدی آذری قمی، سیدجلال الدین طاهری اصفهانی و ... شرکت

داشت. این جلسه نیز اکنون نیز با حضور برخی از اعظام حوزه چون حضرات آیات سید محسن خرازی، سیدعلی محقق داماد، سید حسن طاهری خرم آبادی، رضا استادی و ... ادامه دارد.

در عرصه تألیفات نیز آیت الله میرمحمدی کوشا بوده اند و آثاری آفریده اند؛ از قبیل: بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، ثلاث دراسات فی الفقه والمشتبه، تاریخ و علوم قرآن، هل يجوز التعزیر بالحسب او بالمال، زندان و زندانی در اسلام و مقالات متعدد در موضوعات فقه، علوم قرآنی، قضا و گزینش. اما شاید بتوان مهمترین اثر استاد را تفسیر ارزشمند بلاغ به شمار آورد که در چهار مجلد به صورتی نفیس به همت شرکت چاپ و نشر بین الملل چاپ شده و در دسترس دانشوران قرار گرفته است. گفتنی است که ایشان در آغاز مجلد اول به عنوان دیباچه و درآمدی بر تفسیر کلام الله مجید، مباحث چند گانه ای مطرح کرده اند که در ذیل مواردی از آنها مرور می شود.

رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا:

علمای مذهب تشیع حافظان و مروجان فلسفه اشراق

رئیس حکمت اسلامی صدرا با تبیین فعالیت های شیعه در صدر اسلام و با بیان اینکه شیعه بعد از شهادت امام حسین (ع) به حالت پنهان کاری و تقیه پیش رفت، ادامه داد: در تمام فرقه هایی که از تشیع پدید آمد مبلغان و داعیانی داشته اند که همه به عنوان وارثان حکمت مشا بوده و از آنها استفاده می کردند.

وی مدعی بود که این مبلغان در مقابل علمای غیر شیعه و به تعبیری طرفداران جدی و غیر جدی خلفاء، جدال علمی داشته اند و یکی از روش های بحث و تبلیغ امامت آنها استفاده از مباحث عقلی مشایی بود.

آیت الله خامنه ای با بیان اینکه بعدها حکومت، رمز و راز اینها را پیدا کرد و غزالی را به رویارویی با ایشان فرستاد تا از حکومت سلجوقیان دفاع کند، ادامه داد: اینها از حکمت مشا به عنوان ابزار استفاده می کردند و ابن سینا هم از این قاعده مستثنی نیست و به نوعی با شیعیان سیاسی کار گره خورده است.

وی بر این باور بود که ما در کندوکاوی که در تاریخ علمای شیعه و حکمای اشراقی داریم، می بینیم که پیوسته بین شیعه و حکمت اشراقی پیوستگی ای وجود دارد که آنها را پنهان هم می کردند.

آیت الله خامنه ای با بیان اینکه یکی از نکات پنهان مانده برخلاف آنچه که معروف است این مطلب می باشد که حکمت اشراق را علمای شیعه صراحتاً و یا در کوشش علم کلام حفظ کرده اند.

خامنه ای با اشاره به اینکه علامه حلی به پسرش فخرالمحققین و یا حکمت اشراق سهروردی را تدریس می کرده و یا اینکه شهیدین نیز حکمت اشراق را در برنامه درسی خود داشته اند، گفت: حکمت اشراق اساساً نه یک رشته تحصیلی بلکه یک موضع برای شیعه بوده است و چه بسا با عرفان اسلامی یکی دانسته می شده است.

آیت الله خامنه ای ابن سینا را به علت تشیع اش دارای همین مشی معرفی کرد و گفت: الانصاف و التتصاف راهم ابن سینا در حکمت اشراق نوشته شده است که عمداً یا سهواً امروزه در اختیار ما نیست.

وی مدعی بود که ابن سینا در نمط نهم اشارات دقیقاً نشان می دهد که این حکم بالاتر از اشراق بوده و خود او نیز اهل رمز و راز است.

وی در پایان سخنانش با اشاره به اینکه ابن سینا هم حکیم مشایی است و هم اشراقی است، گفت: امیدوارم که در جهت تحلیل فلسفی آرای شیخ کتابها و آثار او با این رویکرد مورد ملاحظه قرار گیرد چرا که او در ضمن بیانات مشایی خود، رگه های اشراقی خود را نیز نشان می دهد.

آیت الله سیدمحمد خامنه ای، رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا در همایش ابن سینا و فلسفه اسلامی با موضوع ابن سینا فیلسوف اشراقی به تبیین آموزه های فلسفی ابن سینا پرداخت و مدعی شد که او همواره یک فیلسوف اشراقی بوده است.

وی با بیان تأسف از اینکه تاکنون تاریخ حکما و علما به معنای واقعی نداشته ایم، اظهار داشت: این ظلم همواره بر علم و عالم در طول زمان رفته است و وقتی یک عالم را می خواسته اند معرفی کنند مثلاً زمان تولد او را در نسبت با فرمانروایی یک پادشاه معرفی کرده و مقایسه می نمودند.

وی بر این باور بود که این روش تاریخی برای معرفی علما که زندگی آنان را یک مسئله فرعی در کنار پادشاهان در نظر می گیرند، بیشترین ظلم به حوزه حکمت و اندیشه است. علاوه بر اینکه در بسیاری از موارد آرای آنان نیز به درستی شناخته نمی شود.

وی در همین باره توضیح داد: مثلاً همواره ابن سینا را به عنوان یک فیلسوف مشایی معرفی می کنند، در حالی که او تصریح دارد که اعتقادی به مکتب مشاء نداشته و بسیاری از مطالب آن را صحیح نمی داند و در مقدمه حکمه المشرقین این مطلب را آورده است.

وی با بیان اینکه آنچه منع و کتابی از ابن سینا در حکمت اشراق در دست نیست، افزود: مطالعه و تحقیق در این باره سخت است و تنها می توان به برخی اماره ها بسنده کرد.

وی در این باره افزود: درباره اشراقی بودن ابن سینا اگر بخواهیم بررسی هایی داشته باشیم باید ملاک ها و مستندات ارایه کنیم که بسیاری از آنها نیز در کتاب های خودمان است.

آیت الله خامنه ای ادالذلیل بر این مدعی خود را کلام خود ابن سینا در مقدمه حکمه المشرقین معرفی کرد و گفت: او در این مقدمه این گونه می نویسد که چون اکثر جویندگان دانش سخت به حکمت یونانی روی آورده اند و ما برای آنکه نخواهیم با آنها مخالفت کنیم، سخنان آنها را آورده و برایش توجیه ذکر کرده ایم، مگر جاهایی که دیگر تاب تحمل آن نبود.

وی با اشاره به اینکه ماورای این ظاهر مفاهیم و معانی دیگری هم وجود دارد که ابن سینا را بر آن داشته تا به حکمت مشایی بپردازد، ادامه داد: ولی حقیقت ای است که ابن سینا از برخی خوفی داشته که به او اجازه پرداختن به حکمه الاشراق را نمی داده اند.

وی در ادامه این پرسش را مطرح کرد که در اینجا نسبت به ابن سینا و بسیاری از فلاسفه ای که یا شیعه بوده و یا وابسته به حکومت زمان نبوده اند، باید پرسید که چرا ایشان به حکمت مشا پرداخته اند.

به همت کتابخانه مجلس شورای اسلامی انجام می شود:

رونمایی از «عطار دانش» در بزرگداشت

آیت الله عطار دی

رییس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی از برپایی مراسمی برای تجلیل از مقام علمی و دینی آیت الله عطار دی با همکاری خانه کتاب و مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران خبر داد و گفت: کتابخانه مجلس کتاب «عطار دانش» را برای عرضه در این بزرگداشت در دست نشر دارد.

حجت الاسلام دکتر رسول جعفریان، از آیت الله عزیزالله عطار دی (متولد ۱۳۰۷ در قوجان) به عنوان یکی از محققان برجسته شیعی یاد کرد و گفت: آیین بزرگداشت این عالم پژوهشگر با حضور شخصیت های فرهنگی و مذهبی به زودی برگزار خواهد شد.

وی انتشار حدود ۵۰ اثر نسخه پژوهی، اسنادی، علمی، تاریخی، آثار فهرستی، تراشی و تحقیقی را از دیگر برنامه های کتابخانه مجلس توصیف کرد که قرار است تا پایان سال جاری محقق شوند.

جعفریان گفت: در این باره مجموعه هایی از بزرگان و نویسندگان به نام ایرانی در دست تالیف و تحقیق داریم که از جمله این افراد می توان به استاد منوچهر ستوده اشاره کرد.

رییس و مؤسس کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران از دیگر فعالیت های کتابخانه مجلس به چاپ و انتشار مجموعه دو جلدی تکمله الذریعه الی تصانیف الشیعه اشاره کرد و توضیح داد: کتاب ذریعه شیخ آقابزرگ طهرانی، مفصل ترین کتابشناسی شیعه در ۲۶ جلد است. این اثر حاشیه نویسی های علامه

سیدمحمدعلی روضاتی بر این مجموعه محسوب می شود. وی افزود: علامه روضاتی از زمان انتشار نخستین مجلدات ذریعه به حاشیه نویسی و تکمله این اثر پرداخت و یادداشت های متعددی در گوشه و کنار نسخه خود ثبت کرد، مطالبی که اکنون متن کتاب حاضر را پدید آورده اند. این نوشتار را کتابخانه مجلس دوم آبان ماه جاری منتشر کرد.

حجت الاسلام والمسلمین عابدی:

برخی برنامه های تلویزیون، متزلزل کننده

اخلاق در جامعه است

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم با اعتراض شدید به پخش برخی برنامه های نامناسب از سیما به ویژه کارتون های ژاپنی، آن را متزلزل کننده اخلاق در جامعه دانست.

به گزارش رسا، حجت الاسلام والمسلمین احمد عابدی، در همایش زن مسلمان خانواده کارآمد با اعتراض به پخش برنامه های نامناسب از سیما، نسبت به برخی از این برنامه های تلویزیونی که متزلزل کننده اخلاق در جامعه است، هشدار داد.

وی یادآور شد: برخی کارتون های ساخته شده در کشورهای ژاپن و چین که از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود به سبب این که تناسخ برگرفته شده از ادیان بودا، کنفوسیوس و شینتو را به تصویر می کشد، اخلاقیات جامعه را متزلزل می کند.

وی با بیان این که تناسخ در دین اسلام کفر است و پخش این کارتون ها از تلویزیون جمهوری اسلامی بد اخلاقی فرزندان را به دنبال دارد، اظهار داشت: یکی از علما فرمود «عاقل نیست کسی که بیش از دو ساعت شبانه روز تلویزیون نگاه کند».

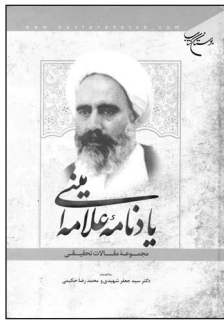
وی که در تبیین شرایط خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام سخن می گفت، پوشیدگی و عفت را لازمه فطرت انسان دانست و افزود: گناه انسان را به بی حجابی و بی عفتی می کشاند و نتیجه و ذی المقدمه بی حیایی، بی دینی می شود.

حجت الاسلام والمسلمین عابدی هرگونه تجسس و تفتحص در حریم شخصی افراد را حرام دانست و تصریح کرد: تجسس و تفتحص در اسلام حرام و از گناهی است که در برخی مواقع تعزیر و حد دارد؛ حتی اگر زنی با سوء ظن از شوهرش پرسد با چه کسی تماس می گیرد نیز حرام است.

رییس پژوهشگاه علوم قرآنی علامه طباطبایی (ره) با بیان این که تفتیش وسایل شخصی افراد، حرام و از بزرگ ترین گناهان کبیره است، تصریح کرد: دین در تلاش است به حریم خصوصی مردم احترام بگذارد؛ چراکه حفظ حریم خصوصی و امنیت فردی از نماز مهم تر و گناه تجسس از بی عفتی بیشتر است.

وی گفت: حریم خصوصی زن با حریم خصوصی مرد متفاوت و از آن گسترده تر است و اگر دین به عفت، حجاب، حیا و خودداری زنان از ارتباط کمتر با مرد نامحرم سفارش می کند به سبب اهمیت ویژه ای است که برای امنیت حریم خصوصی قابل می شود.

انتشار کتاب ارزشمند یادنامه علامه امینی



بعثت: برای معرفی کتاب یادنامه علامه امینی که یادگاری ارزشمند از دو استاد بزرگوار، دکتر شهیدی و محمدرضا حکیمی است، ترجیح دادیم که اشاره آستاند خسروشاهی را که در مقدمه کتاب درج شده است، بیاوریم و دوستان را به تهیه یک جلد از کتاب و مطالعه آن، دعوت می کنیم

اشاره

علامه بزرگوار، آیت الله، شیخ عبدالحسین امینی تبریزی، آن طور که خود در مقدمه کتاب ارزشمند شهداء الفضیله - چاپ نجف، مطبوعه الغری، ۱۳۵۵ هـ - ق نوشته است، از تلامذه والد ماجد این جانب، مرحوم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی، در مدت اقامت در تبریز بوده و مراحمی از دوران تحصیل علوم اسلامی را در خدمت ایشان طی نموده است. فرزند علامه امینی، جناب استاد شیخ رضا عبدالحسین امینی در مقدمه چاپ چهارم کتاب الغدیر، صفحه ۵۶ در این باره می نویسد:

... آنهی سطوح الفقه والأصول علی عدد من أجله علماء تبریز أمثال: آیت الله السید مرتضی الخسروشاهی من أساطین العلم، و جهابذة الفقه، و كبار علماء تبریز.. له آثار علمیه و مؤثر فکریه تتم علی طول باعه و سعه اطلاع... علامه امینی پس از طی این مراحل علمی در تبریز، برای ادامه تحصیل عازم حوزه علمیه نجف اشرف می گردد.

... با این سابقه، هر وقت علامه امینی به ایران می آمد، به زیارت ایشان می رفتم و چندین بار با ایشان دیدار داشتم؛ یک بار در قم و یک بار در تهران و بار سوم در مشهد مقدس... و با توجه به این که ایشان خود را تلمیذ پدر می نامید، همواره مرا که طلبه نوجوانی بودم، مورد محبت و تفقد قرار می داد...

در سال ۱۳۳۸ ش که من به مشهد مشرف شده بودم، علامه امینی هم آن جا بود و به درخواست طلاب و فضلا و در طلبه آنان استاد محمد رضا حکیمی، چند شبی در مدرسه نواب، ضمن اقامه نماز جماعت، برای طلاب و فضلا سخنرانی می کرد و مدرسه نواب با آن وسعت، مملو از جمعیت می شد و در خیابان های اطراف تا مسجد ملا هاشم نیز عده ای از مردم، ایستاده یا نشسته، به بیانات و سخنان علامه امینی گوش فرامی دادند.

... روزی برای دیدار، به محل اقامت ایشان که در آخر بازار سرشور قرار داشت، رفتم که عده ای از طلاب نیز آن جا حضور یافته بودند... علامه امینی ضمن سخن از استاد خود، به من گفتند: اگر بگویم که بانی و باعث اصلی تألیف الغدیر ایوبی شما بود اغراق نگفته ام، چون من وقتی کتاب اهداء الحقیق، فی معنی حدیث الغدیر ایشان را که به سال ۱۳۵۲ هـ - ق در نجف اشرف چاپ شده بود خواندم، متوجه شدم که وقتی برای تبیین معنای ولی و مولی در حدیث غدیر، می شود یک جلد کتاب تألیف نمود، چرا برای روشن ساختن اصل موضوع اقدامی نشود؟ این بود که به فکر تألیف الغدیر افتادم. البته قبلاً گفته ام که برای تألیف آن چهل سال تلاش کرده ام و حدود یک صد هزار جلد کتاب خطی یا چاپی را به طور مکرر، مورد مطالعه و مراجعه قرار داده ام...

علامه امینی در کتاب الغدیر، ضمن معرفی مؤلفان درباره حدیث الغدیر، درباره کتاب والد چنین می نویسد:

المؤلفون فی حدیث الغدیر... بلغ اهتمام العلماء بهذا الحدیث الی غایه غیر قریبه، فلم یقنعهم اخراجه بأسانید مبثوثة خلال الکتب حتی أفرده جماعه بالتألیف، فدوتوا ما انتهی الیه من أسانیده و ضبطوا ما صح لدیهم من طریقہ، کل ذلك علی کلاء منة من الذئور، و عن تطرق ید التحریف الیه. فمئهم: السید مرتضی الخسروشاهی التبریزی، أفرد کتابه فی دلالة الحدیث وأسماؤه: اهداء الحقیق فی معنی حدیث الغدیر. طبع فی العراق. أغرق نزاعاً فی التحقیق ولم یبق فی القوس منزلاً...

و خوشبختانه این کتاب با مقدمه و توضیحات اینجانب، تحت عنوان: معنی حدیث الغدیر، چندی پیش از سوی مؤسسه بوستان کتاب تجدید چاپ شده و در اختیار فضلا و طلاب قرار گرفته است...

... این سابقه آشنایی با مرحوم آیت الله امینی، موجب شد که سالیانی پیش کتاب ارزشمند یادنامه علامه امینی را که به کوشش دو استاد بزرگوار، مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی و حجت الحق، استاد محمدرضا حکیمی تهیه و تنظیم شده و در تهران به چاپ رسیده بود، یک بار هم توسط اینجانب و در قم و از سوی انتشارات رسالت برای بزرگداشت یاد و خاطره آن بزرگ مرد تاریخ شیعه، تجدید چاپ گردد.

... چندی پیش در دیداری با استاد حکیمی سخن از این کتاب به میان آمد و ایشان اظهار علاقه نمودند که به مناسبت چهلمین سال درگذشت آن بزرگوار ۱۳۸۹ - ش - کتاب یک بار دیگر تجدید چاپ شود و در اختیار علاقه مندان قرار گیرد. و سپس به درخواست بنده ظاهراً تنها نسخه خود را با یادداشتی کوتاه برای اینجانب فرستادند. یادداشت ایشان چنین بود:

به پاس جهاد چهل ساله او، در راه تألیف کتاب الغدیر و دعوت مسلمانان جهان به شناخت حقیقتی ژرف و وحدتی راستین و متعالی... کتاب عظیم و بزرگ وی که برای شناساندن اکنون و تجهیز آینده، گذشته تاریخ را روشن کرد.

این بود که علی رغم کثرت کار تصمیم به چاپ جدید آن گرفته شد.

به علت اهمیت کتاب و موقعیت نویسندگان و پدیدآورندگان آن، به نظرم رسید که آن را به ناشری بسیار کم از عهده چاپ شایسته آن با ویرایش و حروفچینی جدید برآید... و این بود که به مدیریت محترم انتشارات مؤسسه بوستان کتاب پیشنهاد کردم که به چاپ و نشر آن اقدام نمایند و خوشبختانه پیشنهاد بنده برای تحقق این امر، مورد قبول افتاد و اینک کتاب با ویرایشی نو و حروفچینی جدید و در شکلی آراسته و بایسته، برای استفاده عموم به دست چاپ و نشر سپرده می شود...

از استاد ارجمند حضرت آقای محمد رضا حکیمی که طبق معمول و با کمال لطف، حق نشر آن را به مرکز بررسی های اسلامی - قم واگذار کردند و همچنین مدیریت محترم در مؤسسه بوستان کتاب که چاپ و نشر را پذیرفتند و همچنین همکاران ارجمند در مرکز بررسی های اسلامی، که هر کدام به نحوی در آماده سازی و نشر این چاپ از کتاب، سهمی دارند، سپاسگزارم و از خداوند متعال برای همه آنان سلامتی و توفیق روزافزون خواستارم.

سید هادی خسروشاهی

قم: مرکز بررسی های اسلامی

انتشار ۵ جلد از

دست نوشته های علامه طهرانی

انتشارات مکتب وحی که فعالیت خود را منحصر به انتشار آثار علامه طهرانی و استاد سید محمد محسن حسینی طهرانی کرده است، مجموعه مطلع انوار شامل دست نوشته های علامه طهرانی را در دست چاپ دارد. تاکنون پنج جلد از این مجموعه چهارده جلدی به صورت موضوعی منتشر شده اند.

به گزارش (ایننا)، طی چهار سال اخیر شانزده عنوان کتاب از سوی این انتشارات منتشر شده که هفت جلد از این کتاب ها مربوط به علامه طهرانی و شش جلد آن متعلق به فرزند وی است. سه جلد دیگر، ترجمه برخی از کتاب های زبان عربی است.

همچنین تاکنون پنج جلد از این مجموعه چهارده جلدی مطلع انوار (دست نوشته های علامه طهرانی) به صورت موضوعی منتشر شده اند و انتظار

می رود تا پایان امسال، مجلدات دیگری از این مجموعه روانه بازار نشر شوند. این مجموعه که جنبه عرفانی دارد و حاصل حیات علمی و عملی علامه طهرانی است، احوالات شخصی، ادعیه و اخلاق،

فلسفه عرفان، ادبیات و هیات و نجوم، موضوع برخی جلد های این مجموعه اند.

روح مجرد نیز یکی از مهم ترین آثار علامه طهرانی است. انتشارات

علامه طباطبایی از ابتدا انتشار این اثر را بر عهده داشت و به همین دلیل، انتشارات مکتب وحی اقدام به چاپ آن نکرد و تنها توزیع آن را به عهده گرفت.

تاکنون دو جلد از مجموعه اسرار ملکوت از سوی این انتشارات منتشر شده است. این مجموعه سخنرانی های آیت الله

سید محمد محسن حسینی طهرانی با موضوع شرح حدیث عنوان بصری را شامل می شود.

آثار علامه طهرانی همواره مورد توجه بوده اند، اما با گذشت چندین سال، این توجه افزایش یافته است. این استقبال در نمایشگاه های کتاب مشهود است.

همچنین آیین رستگاری شامل مباحثات علامه طهرانی در مجالس خصوصی با موضوع سلوک الی الله، تفسیر آیه نور متعلق به آیت الله طهرانی و جلد پنجم مجموعه مطلع انوار شامل بخشی از دست نوشته های وی، کتاب هایی اند که به تازگی از سوی انتشارات مکتب وحی منتشر شده اند.

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

سید هادی خسروشاهی

سردبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com